

مشخصات کتاب

نام کتاب : عاشورا سرمشق زندگی

مؤلف: آية الله العظمى سيّد محمد حسيني شيرازي قدس سره

شمارگان: ۵۰۰۰

نوبت چاپ: اول ناشر

تاریخ چاپ: شعبان المعظم ۱۴۲۳ ه. ق.

ناشر: بینش آزادگان

شابک : X - 01 - 7722 - 964 - 964

ISBN: 964 - 7722 - 01 - X

مؤسسه فرهنگی دارالمهدی و القرآن الحکیم

حسینیه کربلائیهای اصفهان

WWW.SHAER.COM

فهرست مندرجات

پیشگفتار	۵
اسلام و عاشورا	۷
امام حسین علیه السلام را از نابودی نجات می‌دهد	۹
شعائر حسینی و اهمیت آن	۱۰
کربلا، شهری مقدس	۱۲
در شهر نور	۱۴
گزارشهای علمی	۱۵
آخرت جایگاه نیکوکاران	۱۶
ارزش دادن به مجالس حسینی	۱۷
خاطره‌ای از برکات منبر حسینی	۱۸
قصه جاودانی	۲۰
زمین و آسمان بر مصیبت امام حسین علیه السلام می‌گرید	۲۲
ناله و گریه فرشتگان	۲۴
ناله جنیان بر امام حسین علیه السلام	۲۵
جایگاه شهیدان نزد امام حسین علیه السلام	۲۷
خاطره‌ای از شهیدان اربعین	۲۸
شهیدان زنده‌اند	۳۰

- ۳۱ با حَقُّوق پیامبر علیه السلام
- ۳۳ دانیال پیغمبر علیه السلام
- ۳۵ احترام تربت امام حسین علیه السلام
- ۳۷ خواندن قرآن بر سر نیزه
- ۴۰ امام حسین علیه السلام شعار قرآن را سر می‌دهد
- ۴۳ آزادیهای اساسی در اسلام
- ۴۵ راهی به سوی سعادت
- ۴۶ مشکل ملّت‌ها و حکومت‌ها
- ۴۸ اسلام و نظام مشورتی
- ۵۱ نتیجه رها کردن اسلام
- ۵۳ اسلام دین علم و عمل
- ۵۵ اسلام با بردگی مبارزه می‌کند
- ۵۷ بین دین و آزادی منافاتی نیست
- ۵۹ پایداری اسلام به زنده بودن احکام آن می‌باشد
- ۶۲ اولین و ضروری‌ترین حکم اسلامی
- ۶۵ دوری از اسلام بزرگ‌ترین خسارت
- ۶۷ اسلام و عصر ارتباطات

پیشگفتار

آخرین روزهای تابستان است، گویا از دور بیابانی خشک و تفتیده همراه با گرمایی طاقت فرسا و جانکاه می بینم.

تو گویی همچون پرده‌ای سیاه زمین را قیرگون نموده است اما نه، بهتر نگاه کن! چه می بینی؟

بار خدایا، لشکری عظیم و سراپا مسلح می بینم که سرمست از جامهای شیطانند و از آن طرف عده‌ای اندک با توشه‌ای مالا مال از عشق و محبت به ذات پروردگار!!

اینجا کجاست و اینها چه می خواهند؟ من مات و مبهوت، انگشت حیرت به دندان می گزم! یکی گفت: چرا به خود فرو رفته‌ای؟ آن دسته که می بینی سرمست از جامهای شیطانند از طرف یزید بن معاویه مأموریت یافته‌اند تا حقیقت را در گودال شقاوت ذبح کرده و فاتحه اسلام را بخوانند و این سو، باوفا یارانی هستند که نه از انبوهی مردم هراسی دارند و نه از به خون غلطیدن ابایی.

با خود گفتم: اگر اینان چنین هستند پس مولایشان چگونه است؟ ناخود آگاه در گوش دلم زمزمه‌ای شنیدم که می گفت: مولای آنان را نمی شناسی؟ آنکه محبوب خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است.

کسی که عالم به افتخار او آفریده شده است و آقایی که آزادمردی از شهادتهای او معنا گرفت است! آنکه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم او را از خود و خود را از او می دانست؟ آیا او را نمی شناسی؟

او حسین بن علی بن ابیطالب علیه السلام است! کسی که آنچه داشت در طبق اخلاص قرار داده است تا به ذات مقدس پروردگارش تقدیم نماید.

او به این دیار آمده است تا آرمانهای فراموش شده پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را دوباره روح و زندگی بخشد و اسلام و قرآن را در این سرزمین بر صفحه تاریخ به تصویر کشد.

... و اینجا کربلا است دیار عاشقان و جلوه گاه قرآن.

و اینک آنچه در پیش رو دارید تراوش قلم فرزانه مردی است که بیش از نیم قرن در خدمت جامعه بشری قلم فرسایی نموده است و تا کنون بیش از هزار و صد کتاب در زمینه های مختلف فقهی، اصولی، اخلاقی، اجتماعی و... به رشته تحریر درآورده است.

حضرت آیه الله العظمی سید محمد حسینی شیرازی قدس سره از آنجا که احاطه گسترده ای نسبت به احکام اسلامی و سیره و زندگانی خاندان عصمت و طهارت دارد همیشه با قلم و بیان خود راهگشای مشکلات اجتماعی مردم بوده است.

مدتی پیش کتابی با عنوان « رساله عاشوراء » به زبان عربی از این مؤلف محترم به زیور چاپ آراسته شد که اکنون به فارسی ترجمه گردیده و در اختیار علاقمندان قرار گرفته است. امید است مورد لطف و عنایت حضرت بقیه الله الاعظم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) قرار گیرد.

در پایان بر خود لازم می دانیم از همه عزیزانی که در ترجمه و تهیه و تنظیم این اثر تلاش نمودند صمیمانه تشکر کنیم.

صفر المظفر ۱۴۲۲ ه. ق

اسلام و عاشورا

ستایش خدای را که پروردگار جهانیان است و درود و سلام بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و خاندان پاکش باد.

به راستی که پیام عاشورا زنده نمودن اسلام و احیای دوباره قرآن است و این همان هدفی است که امام حسین علیه السلام با حرکت، قیام و شهادت خویش داشتند.

چرا که دین اسلام، تنها دین کامل و قانون جامعی است که^۱ سعادت انسان و جامعه بشریت را در همه دورانها و زمانها تضمین نموده است و پیشرفت، شکوفایی و سربلندی را برای آنها به ارمغان بیاورد.

این خوشبختی و سعادت در سایه حکومت امامانی است که پایه حکومتشان بر خودمحوری و ظلم بنا نشده و ولایتشان به امر خداوند متعال بوده است.

اسلام تحقق این خوشبختی و سعادت را در سایه حکومتی دادگر، مدیریتی حکیمانه، نظارتی هوشیارانه و مجموعه‌ای که پایه‌های آن بر مشاوره بنا شده باشد، می‌داند.

نمونه بارز تحقق این امر را می‌توان در حکومت عادلانه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و جانشین ایشان امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام مشاهده نمود، زمان کوتاهی که ولایت و حکومت ظاهری را به عهده داشتند توانستند، زیباترین چهره را از آزادی، نظرخواهی از مردم، اجرای عدالت و دفاع از حقوق فردی و اجتماعی مردم، ترسیم نمایند.

۱- دینی که خداوند در قرآن آن را معرفی کرده و از آن سخن به میان آورده است، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز تبلیغ آن را نموده و اهل بیت عصمت و طهارت: به ویژه سید و سرور و سالار شهیدان حضرت امام حسین علیه السلام در روز عاشورا و در سرزمین کربلا جان خود را برای زنده نگاه داشتن آن نثار کرده‌اند.

ولی هنگامی که بنی‌امیه حکومت را به دست گرفتند تظاهر به اسلام نمودند و فقط شعارهای ظاهری آن را سر می‌دادند.^۱

آنها در اصل رومی بودند و اندیشه‌ها و باورهای رومی داشتند، از این رو طبق ذوق و سلیقه و فرهنگ رومیان حکم می‌راندند. هر آنچه را اسلام احیا کرده بود، می‌راندند و آنچه را اسلام می‌رانده بود، زنده کردند. آنها دوباره شام - مرکز روم - را پایتخت اسلام قرار داده و حکومت را به روش رومیان، که سلطنت را موروثی می‌دانستند بازگرداندند و بسیاری از اصول مذهب را دگرگون کردند.

فرزندان امیه با رفتارهای تهاجمی که به نام دین داشتند، چهره ناپسندی از اسلام ترسیم نمودند.

آنها انگیزه‌ای جز نابودی اسلام نداشتند و چنان ضربه‌ای به اسلام وارد آوردند که اگر قیام امام حسین علیه السلام نبود بی‌تردید تیشه به ریشه اسلام زده و آن را از صفحه وجود محو نموده بودند.

۱- حضرت علی علیه السلام در پاسخ به نامه معاویه، به او می‌فرمایند: (... به خدا سوگند می‌دانم تو مردی بی‌خرد و دل‌تاریک هستی،... منصبی را می‌خواهی که سزاوار آن نبوده و در شأن تو نیست چقدر گفتار تو با کردارت فاصله دارد! چقدر به عموها و دایی‌های کافرت شباهت داری!... برای اطلاعات بیشتر در این مورد: اوصاف حکومت، سیاستهای دروغین، اسلام ظاهری و سیمای بنی‌امیه در کلام امیرمؤمنان علی علیه السلام به خطبه ۹۳ و نامه ۱۷ و ۶۴ نهج‌البلاغه مراجعه شود.

امام حسین علیه السلام را از نابودی نجات می‌دهد

آری! حضرت سیدالشهدا علیه السلام اسلام را نجات داد، آن هم به بهای جان خود و نیز هیجده جوان از خاندان پاکش که در این راه فدا شدند. آنانی که به فرموده امام رضا علیه السلام^۱ نمی‌توان بر روی زمین مثل و برای آنان یافت. این کار بزرگ، تنها برای خدا بود و هیچ میل نفسانی و منفعت شخصی با آن آمیخته نشده بود.

امام حسین علیه السلام می‌خواست تا بندگان خدا را از نادانی و سرگردانی و گمراهی برهاند و از آن رو که تنها هدفش خشنودی خدا بوده و در این راه بهای گرانی را پرداخته بود، چنین شد که در هر زمان و مکانی، هرگاه از امام حسین علیه السلام یا عاشورا و کربلاش یاد می‌شود، ارزشهایی همچون:

اسلام، قران، آزادی، همه‌پرسی، مؤسسه‌های قانونی، تعدد احزاب، برادری، حقوق انسانی، فردی و اجتماعی، عدالت عمومی، تعهد نسبت به جامعه، زندگی پیشرفته همراه با آسایش و خوشبختی و... و مبارزه با طغیان، استبداد، توحش، عقب‌ماندگی، فقر، نادانی، استثمار، استعمار و مبارزه با سرخوردگی و ناکامی یادآوری می‌شود.

۱- مانند بحار الانوار: جلد ۴۴، صفحه ۲۸۵ که این کلام در ضمن حدیث امام رضا علیه السلام به ابن شیبیه آمده است.

شعائر حسینی و اهمیت آن

در این برهه از زمان که مسلمانان، دین خود را رها کرده و تنها به اسم آن بسنده کرده‌اند، تنها راه تحقق ارزشهای حسینی و احیای آرمانهای آن حضرت به پا داشتن شعائر حسینی و گسترش مجالس حسینی است، که لازم است از وسایل مختلفی نظیر ماهواره و اینترنت و رسانه‌های تبلیغی دیگر - قدیم و جدید - نه تنها در کشورهای اسلامی بلکه در سراسر جهان، بهره‌برداری نمود و این وظیفه هر مسلمانی را دو چندان می‌کند و به ویژه مسئولین هیأت‌های عزاداری و همچنین اهل قلم و منبر و سخنرانان که باید با دقت عمیق‌تری به داستان امام حسین علیه السلام نگریسته و با صبر و شکیبایی و سعه صدر نکات مهمی از این ماجرای عظیم را برای مردم بازگو کنند و بدانند که ماجرای حضرت ابی‌عبدالله الحسین علیه السلام منحصر به مسلمانان و یا مخصوص کشورهای اسلامی نیست، بلکه حضرتش جانشین پیامبر است که خدا او را برای همه مردم جهان برانگیخته است و امام حسین نیز اینگونه است که او، امام و راهنمای بشر در سراسر تاریخ و عالم است و همه جهانیان شیفته رفتار و کردار او هستند و به یقین اگر بتوانیم صدای او و پیام او و اهداف او را به آنان گوشزد کنیم، همه و همه هر جا که باشند، پیرو و رهرو او خواهند شد.

بنابراین، هر نوع کوتاهی در رساندن این پیام از قبیل درگیریهای مصلحتی و شخصی که ما را از آن هدف انسانی و دینی بازدارد، گناهی نابخشودنی و عیبی غیرقابل پوشش است که - خدای ناکرده - ممکن است روز قیامت بر ما گران آید و ما را در زمره دشمنان امام حسین وارد کنند و ائمه اطهار: به جای آنکه از ما شفاعت کنند به دشمنی با ما برخیزند.

پس بر ماست که با کوشش و همدلی و همبستگی، با رویی گشاده و سینه‌ای سترگ و فکری باز، در جهانی کردن نام امام حسین علیه السلام بکوشیم، که جد بزرگوارش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم درباره او فرمود:

(إِنَّ الْحُسَيْنَ مِصْبَاحُ الْهُدَىٰ وَ سَفِينَةُ النَّجَاةِ) ۱

همانا حسین چراغ هدایت و کشتی رهایی است (برای همه مردمان و همه جهانیان).
که البتّه این کار برای خدا دشوار نیست.

کربلا، شهری مقدس

ابن قولویه قدس سره دانشمند پرآوازه و راوی بزرگ در کتاب معروف خود، کامل الزیارات می گوید:

« در زمین کربلا دویست پیامبر و دویست جانشین پیامبر و دویست نفر از نوادگان پیامبران به خاک سپرده شده‌اند. »^۱

چنانچه در نجف اشرف بسیاری از پیامبران و برگزیدگان الهی همچون حضرت آدم و حضرت نوح و حضرت هود و حضرت صالح (علی نبینا و آله و علیهم السلام) دفن شده‌اند. البته تاریخچه و سرگذشت زمین کربلا جز اندکی که به دست ما رسیده است برای ما معلوم نیست. تا آن زمانی که حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ظهور کند و آن را برای ما روشن نماید که چه دورانهایی بر این زمین مقدس گذشته است و چه بر آن خواهد گذشت! زیرا اینگونه مطالب از علم غیب است که تنها خدا از آن آگاه است و کسانی همچون پیامبر اکرم و خاندان پاکش: - که از جانب خدا این علم به آنها ارزانی شده است - از آن آگاه می‌باشند.

با این همه، خدا درباره آسمان و زمین و خورشید و ماه و آب و فضا و دشت و دریا و هر آنچه در این دنیا است می‌فرماید:

﴿وَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ﴾

۱- امام صادق علیه السلام فرمود: روزی امیرمؤمنان علی علیه السلام به همراه عده‌ای در سفر بودند هنگامی که به نزدیکی کربلا رسیدند، حضرت خود را به پیشاپیش مردم رساند و فرمود: در اینجا دویست پیامبر و دویست جانشین پیامبر و دویست نفر از نوادگان پیامبران به شهادت رسیده‌اند. سپس حضرت پای از رکاب بیرون آورده و با مرکب خود به دور آنها گشته و این کلمات را زمزمه می‌نمودند: «مناخ رکاب و مصارع الشهداء لا یسبقهم من کان قبلهم و لا یلحقهم من أتى بعدهم» اینجا منزلگاه سواران و قربانگاه شهیدانی است که کسی را به مانند آنان یافت نمی‌شود. کامل الزیارات: باب ۸۸، صفحه ۲۷۰.

« متاع زندگی دنیا در برابر آخرت، جز اندکی نیست. »

و حضرت علی علیه السلام از دنیا به « لُمَاظَه »^۲ تعبیر می کند. که به معنای باقیمانده لقمه جویده شده است.

و در جای دیگر می فرماید:

« وَاللَّهِ لَدُنْيَاكُمْ هَذِهِ أَهْوَنُ فِي عَيْنِي مِنْ عِرَاقٍ خَنْزِيرٍ فِي يَدِ مَجْدُومٍ »^۳

« به خدا سوگند! این دنیای شما (که به انواع حرام آلوده است) در دیده من از استخوان

خوکی که در دست بیمار جذامی است پست می باشد! »

این دنیایی که در پیشگاه خدا و اولیای او ناچیز و بی ارزش است هنوز بسیاری از زوایای

تاریک آن برای بشر روشن نگردیده است، چه رسد به عالم آخرت که در فرهنگ خدا و

اولیای خدا، عظیم و بزرگ نامیده شده است.

۱- سوره توبه: آیه ۳۸.

۲- نهج البلاغه: کلمات قصار، کلمه ۴۵۶.

۳- نهج البلاغه: حکمت ۴۵۶.

در شهر نور

آری، رازهای پنهان و مرموز این دنیا و نیز جهان آخرت، بسیار است. از جمله رازهای این دنیا مطلبی است که حاجی نوری نویسنده کتاب مستدرک الوسائل در یکی از کتابهای خود آورده است:

روزی در اطراف شهر خود (شهر نور که یکی از شهرهای مازندران است) به بیلاق رفته و کتابها و کاغذهایم را به مزرعه یکی از خویشاوندانم برده بودم تا وقتی کشاورزان، آنجا را ترک می کنند مشغول خواندن و نوشتن شوم.

یک شب در پرتو نور چراغی مشغول نوشتن بودم، ناگاه دو نفر بلند قامت و خوش اندام با لباسهایی سفید و تمیز وارد شده بر من سلام کردند و گفتند: چه می نویسی؟
گفتم: روایاتی که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و خاندان پاکش: برای ما نقل شده است می نویسم.

گفتند: کمی از نوشته های ما برای ما بخوان، من هم قطعه ای از خطبه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در روز غدیر را برایشان خواندم. آنها اشتباهات مرا تصحیح می کردند و می گفتند: پیامبر به جای این واژه، واژه دیگری را ایراد فرمودند.

من شگفت زده پرسیدم: شما از کجا می دانید؟

گفتند: ما دو نفر جن هستیم که در روز غدیر حاضر بودیم!

مرحوم پدرم قدس سره^۱ می گفت:

حاجی نوری قدس سره پس از این مکاشفه خطبه غدیر را طبق سخن آن دو نفر تصحیح و واژه های افزوده شده را در پرانتز قرار داده و آن نسخه را جایگزین نسخه اصلی نمود.

۱- مرجع عالیقدر آیه الله العظمی سید میرزا مهدی حسینی شیرازی (۱۳۰۴) - ۱۳۸۰ ه.ق.

گزارشهای علمی

بنابراین وجود جن حقیقی از حقایق دنیای ما است ولی آیا ما درباره این حقیقت چه مقدار آگاهی داریم؟

از جن که بگذریم - گرچه سخن از جن در قرآن به میان آمده است - در گزارشی از زیست‌شناسان می‌بینیم که طبق آمار دانشمندان غرب، سی میلیون نوع موجود زنده غیر از انسان بر روی کره زمین زندگی می‌کنند.

آیا ما حتی یک دهم این موجودات را می‌شناسیم؟

آیا ما ذرات و تعداد سلولهای بدن خود را می‌شناسیم؟

و آیا حتی ما یک هزارم نیروهای مادی و معنوی وجود خود را شناخته‌ایم؟

یقیناً ما از نیروهای مادی و معنوی جسم خویش ناآگاهیم، چه رسد به نیروهای مادی و معنوی کل جهان.

و اگر درباره این جهان چیزی نمی‌دانیم پس نسبت به نیروهای مادی و معنوی جهان

آخرت چه ادعایی می‌توانیم داشته باشیم؟

مسئلاً معلومات ما بسیار کم است و جز اندکی که از سخنان پیامبر و اهل بیت: دریافته‌ایم،

هیچ دانشی از آخرت در دست نداریم.

آخرت جایگاه نیکوکاران

آری، رازهای آخرت بسی بیشتر از رازهای دنیا و درون ماست. یک نمونه از رازهای آخرت را مرحوم استاد میلانی^۱ نقل می‌نمود. ایشان می‌فرمود: در لحظات احتضار استاد شیخ مرتضی طالقانی - که از بهترین دانشمندان حوزه علمیه نجف اشرف بود - حاضر بودم. ایشان ساعتی بیهوش شد و سپس دیدگان خود را گشود و به افرادی که در کنارش بودند گفت: «اگر مؤمنان می‌دانستند خدا در آن دنیا چه اموری را برایشان مهیا کرده است، هر آینه دقیقه‌ای از آخرت را به همه زندگی دنیا نمی‌فروختند.

سپس کلمه طیبه «لا اله الا الله» را بر زبان راند و چشمان خود را بست و از دنیا رفت. رحمت خدا بر او باد.

آری، ما اینگونه درباره خود و دنیا و آخرت خویش کوتاه‌نظر و بی‌اطلاعیم.

۱- آیت الله میلانی نقل آیت الله العظمی سید محمدهادی حسینی میلانی (۱۳۱۳ - ۱۳۹۵ ه.ق).

ارزش دادن به مجالس حسینی علیه السلام

مجالس امام حسین علیه السلام در طول تاریخ به عنوان بهترین وسیله نگاه‌دارنده ماجرای حضرت سیدالشهدا علیه السلام مطرح شده است و این منبر حسینی است که واقعه عاشورا را زنده نگه داشته است به طوری که با روح و روان و عقل و وجدان مردم آمیخته شده است. پرواضح است که این مهمترین حماسه‌ای است که می‌توان به وسیله آن، قرآن و اسلام را به جهانیان ابلاغ نمود و پرهیزکاری و ارزشهای انسانی را بر روی زمین و به ویژه در بین مسلمانان رواج داد چرا که ماجرای است حقیقی و واقعی و با توجه به اینکه یک جریان کاملاً عاطفی است در عین حال یک منطق عقلی نیز به شمار می‌رود که در تاریخ بشر، شیوایی و گیرایی بی‌نظیر و بی‌سابقه‌ای داشته است.

خاطره‌ای از برکات منبر حسینی

یکی از سخنوران منبر حسینی این ماجرا را برای من نقل نمود:

روزی همراه عده‌ای از سخنوران و مداحان امام حسین علیه السلام اتومبیلی را برای مقصدی کرایه کردیم، در بین راه یکی از سخنرانان به شوخی مطلبی را به راننده گفت که باعث شد سخن به جاهای ناخوشایندی کشیده شود، من برای جبران این امر، از راننده عذرخواهی کردم تا مبادا چیزی به دل بگیرد و خاطره بدی از این سخنان در ذهنش بماند، اما با شگفتی دیدم با نهایت احترام و فروتنی گفت: ای شیخ! شما چیزی نگفتید که عذرخواهی می‌کنید شما حق زندگی بر گردنم دارید زیرا خدا مرا به وسیله شما نجات داد و به حقیقت صراط مستقیم هدایت فرمود و بر من است که از شما تشکر و قدردانی نمایم.

از او پرسیدم: مگر تو از ما چه دیده‌ای؟!

در پاسخ گفت: در ابتدای جوانیم، به دلیل محیط فاسدی که در آن زندگی می‌کردم و دوستان نااهلی که داشتم دچار بدترین انحرافات اخلاقی بودم و هیچ بهره‌ای از ارزشهای دینی و انسانی نداشتم.

روزی از روزها دچار عذاب وجدان شدم و از گناهان خود به ستوه آمدم تا اینکه گذرم به یکی از مجالس امام حسین علیه السلام افتاد، در همین حال به خود نهیب زدم که باید وارد این مجلس شوم و توشه‌ای بگیرم.

وقتی وارد شدم سخنران مردم را پند و اندرز می‌داد و آیات قرآن را تفسیر می‌نمود و سخنان اهل بیت: را به کام تشنه آنان می‌ریخت.

سخنان او بر دلم نشست او پس از پندها و صحبت‌های خود، گریزی به مصیبت قمر بنی‌هاشم حضرت عباس علیه السلام زد و شیوه جهاد او و یاریش نسبت به امام حسین علیه السلام را بیان کرد تا به این جملات رسید که: حضرت عباس علیه السلام در روز عاشورا بر دشمنان فریاد برمی‌آورد و می‌گوید:

وَ اللّٰهِ اِنْ قَطَعْتُمُوْا يَمِيْنِيْ
وَ عَنِ اِمَامٍ صَادِقٍ الْيَقِيْنِ
اِنِّيْ اُحَامِيْ اَبَدًا عَنِ دِيْنِيْ
تَجَلِّ التَّبِيِّ الطَّاهِرِ الْاَمِيْنِ

« به خدا سوگند اگر دست راستم را قطع کردید من همچنان از دینم و پیشوای راستگویم که پسر دختر پیامبر پاک و امین است حمایت می‌کنم. »
ذکر مصیبت او مرا تحت تأثیر قرار داد به طوری که به شدت گریه کردم، با خود گفتم: چگونه ادعای عشق اباالفضل علیه السلام را داری و حال آنکه با کردار ناپسندت، حرمت دین او را شکسته‌ای؟ همان بزرگواری که برای دفاع از دین و نگاهداری حرمت اسلام، دستها و جان خود را تقدیم نمود؟ و...

این بود که در ژرفای وجودم نوعی دگرگونی احساس کرده از خواب غفلت بیدار شدم و از کرده‌های خویش پشیمان شده و تصمیم گرفتم خود را از نو بسازم.
بنابراین من به برکت منبر امام حسین علیه السلام توبه کرده و به راه راست باز گشتم و از همان روز به دینداری و نیکوکاری خو گرفتم.

قصه جاودانی

آری، حماسه امام حسین علیه السلام همیشه می ماند زیرا که به سرچشمه حقیقت متصل است.

قصه ای که برای اصلاح همه ابعاد این دنیا و خوشبختی همه جانبه آخرت می توان از آن بهره گرفت.

در این قصه واقعیت هایی وجود دارد که خرد و اندیشه انسان از فهم گستره آن ناتوان است مگر آنکه با بحث و بررسی و مطالعه پیگیر بتوان شبمی از این دریا یافت چرا که این داستان از وحی و عالم بالا سرچشمه گرفته است زیرا همان گونه که در پس هر پدیده، رازهایی نهان و معنویاتی انبوه وجود دارد که رسیدن به آنها دشوار و گاهی ناممکن است و درک آن جز از راه منطقی اش محال می نماید قصه امام حسین علیه السلام نیز اینگونه است که باید از راهی درست، در پی فهمی منطقی قدم برداریم چرا که خدای سبحان فرموده است:

﴿ وَ أَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا ﴾^۱

« به خانه ها از درب آنها در آید. »

و فرموده پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است که:

« من شهر علم و علی درب آن است هر کسی قصد این شهر حکمت کند، باید از درب آن وارد شود. »^۲

و نیز ابن عباس می گوید:

۱- سوره بقره: آیه ۱۸۹.

۲- بحار الانوار: جلد ۲۸، صفحه ۱۹۸.

« همانا قرآن به هفت حرف نازل شده است که هر کدام از آنها دارای ظاهر و باطنی است و علی علیه السلام به ظاهر و باطن آن آگاه می باشد.»^۱

جابر بن عبدالله انصاری قدس سره می گوید: امام محمدباقر علیه السلام به من فرمود: «هان، جابر! قرآن دارای باطنی است و باطن آن هم باطنی دارد و ظاهری دارد و ظاهر آن هم ظاهری دارد. ای جابر! بدان که هیچ امری در درک مردم دورتر از تفسیر قرآن نیست.»^۲ و آیاتی از قرآن مجید نیز به این حقیقت اشاره دارد، از قبیل:

﴿وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ﴾^۳

« زیرا که تأویل قرآن را جز خدا و استواران در دانش کسی نمی داند.»

چه بسا که دانستنیهای ما در برابر حقیقتهایی پنهان بسیار اندک باشد که بعد از مرگ برای ما آشکار شود. همان گونه که خدای متعال در قرآن فرموده است:

﴿فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ﴾^۴

« ما امروز پرده را از چشم تو برداشتیم پس اکنون دیده بصیرت تو تیزبین است.»

آری! خداوند متعال بعد از مرگ پردههایی را که مانع دیدن واقعیات شده است برمی دارد تا چشم انسان بینا شده و آنچه را در دنیا بر او پوشیده بوده است به روشنی ببیند.

۱- بحارالانوار: جلد ۸۹، صفحه ۹۳.

۲- بحارالانوار: جلد ۸۹، صفحه ۹۵.

۳- سوره آل عمران: آیه ۷.

۴- سوره ق: آیه ۲۲.

زمین و آسمان بر مصیبت امام حسین علیه السلام می‌گیرید

به راستی که در ماجرای امام حسین علیه السلام اسرار فراوانی است که بخشی از آنها را اهل بیت: برای ما بیان فرموده‌اند.

از جمله آنها گریه آسمانها و زمین و خورشید و فلک و حیوانات وحشی و پرندگان است.^۱

امام صادق علیه السلام فرموده است:

« امام حسین علیه السلام را زیارت کنید و در حق او جفا نکنید چرا که او سرور جوانان بهشت است... و مانند حضرت یحیی علیه السلام است که زمین و آسمان بر او و امام حسین علیه السلام گریستند.»^۲

و در روایتی از امام رضا علیه السلام آمده است:

« به راستی که آسمانهای هفتگانه و زمینها بر کشته شدن امام حسین علیه السلام گریستند.»^۳
و از امام صادق علیه السلام در ضمن سخنی بلند آمده است:

« وقتی امام حسین علیه السلام کشته شد آسمانها و زمینهای هفتگانه و آنچه درون آنها و در میان آنها بود و نیز همه ساکنان بهشت و جهنم و آنچه به چشم می‌آید و هر آنچه دیده نمی‌شود، بر او گریستند.»^۴

و از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرمودند:

« جن و انس و پرندگان و حیوانات وحشی چنان بر امام حسین علیه السلام گریه کردند که اشک از دیدگان آنها سرازیر شد.»^۱

۱- کتاب کامل الزیارات: صفحه ۷۹.

۲- کتاب ثواب الاعمال: صفحه ۹۷.

۳- کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام، صفحه ۲۹۹.

۴- بحار الانوار: جلد ۴۵، صفحه ۲۰۲.

و نیز از زراره^۲ نقل شده که امام صادق علیه السلام فرمود:

« به راستی که آسمان چهل روز بر امام حسین علیه السلام خون گریست و زمین چهل روز تاریک شد و خورشید چهل روز تیره گشت و به سرخی گرایید... و از زندهای ما کسی خضاب نکرد و روغن به سر نمالید و سرمه نکشید و ازدواج نکرد تا اینکه سر عبیدالله بن زیاد را آوردند و پس از آن نیز، ما پیوسته در غم و اندوه بوده و هستیم...»^۳

پس گریه آسمان و زمین و آنچه میان آنها و درون هر یک از آنهاست بر امام حسین علیه السلام حقایقی پنهان از ماجرای امام حسین علیه السلام است که ما نسبت به آن آگاهی نداریم و اهل بیت رسول خدا: - که خداوند ایشان را بر غیب خود و واقعیات عالم آگاه ساخته - پرده از آن واقعیات بر گرفته و ما را آگاه ساخته‌اند.

۱- کامل الزیارات: صفحه ۷۹.

۲- یکی از بزرگان یاران امام صادق علیه السلام بوده و روایات فراوانی را نقل کرده است.

۳- بحار الانوار: جلد ۴۰، صفحه ۲۰۶.

نالہ و گریہ فرشتگان

یکی دیگر از حقایق نهفته در داستان امام حسین علیه السلام گریه و ناله فرشتگان بر اوست.

از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: شما را چه می شود که به زیارت قبر امام حسین علیه السلام نمی روید؟! همانا چهار هزار فرشته تا روز قیامت نزد قبر او می گریند.^۱

و در روایتی دیگر فرمود: خدای متعال هفتاد هزار فرشته را بر امام حسین علیه السلام گمارده است که با حالتی پریشان و غبارآلود بر او درود می فرستند از روزی که امام حسین علیه السلام به شهادت رسیده است تا زمانی که خداوند بخواهد. مقصود امام از « زمانی که خداوند بخواهد » زمان قیام حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است.^۲

و در روایتی دیگر فرمود: زمانی که بر امام حسین علیه السلام آن ماجرا گذشت، فرشتگان به درگاه خداوند متعال ناله کردند و گفتند: خدایا آیا با حسین برگزیده و فرزند پیامبر تو اینچنین رفتار می شود؟

سپس امام صادق علیه السلام فرمود: آنگاه خداوند متعال سایه حضرت قائم علیه السلام را برپا کرد (ظاهر نمود) و فرمود: به وسیله این، از ستمکاران بر حسین علیه السلام انتقام خواهم گرفت.^۳

و از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرمود:

« چهار هزار فرشته با حالی پریشان و غبارآلود تا روز قیامت بر امام حسین علیه السلام می گریند و هیچ کس به زیارت امام حسین نمی آید مگر اینکه او را استقبال می کنند و کسی

۱- بحارالانوار: جلد ۴۵، صفحه ۲۲۲.

۲- بحارالانوار: جلد ۴۵، صفحه ۲۲۲.

۳- بحارالانوار: جلد ۴۵، صفحه ۲۲۱.

از آن زائران بیمار نمی‌شود مگر اینکه از او عیادت می‌کنند و از ایشان نمی‌میرد کسی مگر اینکه در تشییع جنازه او حاضر می‌شوند.^۱

آری! ناله و گریه فرشتگان بر امام حسین علیه السلام و نیز ماندن آنها در اطراف قبر آن حضرت و استقبال ایشان از زائران و اکرام و احترام نسبت به آنها از حقایق ناپیدای ماجرای امام حسین علیه السلام است که به وسیله آنها (امامان معصوم:) که خداوند آگاهیشان داده است برای ما بیان شده است و این حقایق و اسرار پنهان، بر بزرگی ماجرای امام حسین و اهمیت آن تأکید دارد.

ناله جنیان بر امام حسین علیه السلام

یکی دیگر از حقایق نهفته داستان امام حسین علیه السلام گریه و زاری جنیان بر آن حضرت است.

در کتاب «مثیر الاحزان»^۲ از ابن نما نقل شده است که: جنیان بر امام حسین علیه السلام نوحه کردند و عده‌ای از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که مسور بن مخرمه یکی از آنها بود، نوحه و زاری آنها را شنیده و خود می‌گریستند.

و نیز مؤلف کتاب «الذخیره» از عکرمه نقل می‌کند که: در شب شهادت امام حسین علیه السلام در مدینه صدای ندا دهنده‌ای به گوش رسید که شخص او دیده نمی‌شد و می‌گفت:

أَيُّهَا الْقَاتِلُونَ جَهْلًا حَسِينًا
أَبْشِرُوا بِالْعَذَابِ وَ التَّنْكِيلِ

۱- بحار الانوار: جلد ۴۵، صفحه ۲۲۳.

۲- کتاب مثیر الاحزان نوشته شیخ جعفر بن ابراهیم حلی معروف به ابن نما متوفای ۶۴۵ هـ.ق.

ای کسانی که حسین را از روی نادانی به قتل رساندید، بشارت باد شما را به عذاب!!

كُلُّ أَهْلِ السَّمَاءِ يَدْعُوا عَلَيْكُمْ
وَنَبِيُّ مَرْسَلٌ وَ قَبِيلٌ

همه آسمانیان و پیامبران و همه طایفه‌ها شما را نفرین می‌کنند.

قَدْ لُعِنْتُمْ عَلَى لِسَانِ ابْنِ دَاوُدَ
و مُوسَى وَ صَاحِبِ الْإِنجِيلِ

به راستی که شما قاتلان، مورد نفرین حضرت سلیمان و حضرت موسی و حضرت عیسی: بوده‌اید.^۱

در کتاب «کامل الزیارات» روایت مستندی آمده است که جنیان بر امام حسین علیه السلام گریسته و این اشعار را می‌سرودند:

ای مسلمانان که آخرین امتهای هستید، اگر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از شما سؤال کند که با خاندان و برادران و دوستانم چگونه رفتار کردید؟ و چرا آنها را اسیر و شهید و غرق در خون نمودید چه پاسخی خواهید داد؟^۲

یکی از پارسایان می‌گوید:

در شب عاشورا صدای بانویی از جنیان را شنیدم که بر امام حسین علیه السلام گریه می‌کرد و نوحه‌سرایی می‌نمود.

همچنین مرحوم پدرم قدس سره می‌فرمود:

من همیشه شبهای عاشورا صدای روضه و گریه جنیان را از خانه‌ای که در کنار منزل ما در کربلا بود می‌شنیدم.

البته داستانهای فراوانی در این رابطه به ما رسیده است که ما به این مقدار از آن اکتفا می‌کنیم.

۱- بحارالانوار: جلد ۴، صفحه ۳۴۱ به نقل از تاریخ ابن عساکر.

۲- بحارالانوار: جلد ۴، صفحه ۲۳۷.

اینگونه مطالب، از رازهای نهانی و واقعیت‌های پیچیده‌ای است که قابل انکار نیست و با اینکه از دیده ما پوشیده است ولی برای ما قابل قبول است، زیرا گزارشگران اینگونه خبرها همه راستگو و وارسته بوده‌اند.

مطالبی که بیان شد همه و همه مربوط به قصه امام حسین علیه السلام است و ثابت می‌کند که واقعه عاشورا پیوندی ناگسستنی با عالم غیب دارد و از وحی و آسمان الهام گرفته است.

جایگاه شهیدان نزد امام حسین علیه السلام

جریان دیگری در این زمینه هست که فردی مورد اعتماد برایم تعریف نمود: در شب اربعین، یکی از خانمهایی که برای زیارت امام حسین علیه السلام آمده بود نیمه شب از خواب بیدار شد و با صدای بلند هلهله می‌زد همان گونه که زنان در عروسیها و شادیها هلهله سر می‌دهند.

این جریان در یکی از هتل‌های کربلا اتفاق افتاده بود و مسافران هتل سراسیمه از خواب بیدار شده و پنداشتند که او دیوانه شده است.

اما وقتی علت این کار را از او پرسیدند پاسخ داد: در عالم خواب، امام حسین علیه السلام را دیدم و همچنین دیدم که پسرم با عزت و احترام نزد او ایستاده است، دانستم که پسرم به درجه رفیع شهادت نایل شده و به دست ستمگران نظام عراق کشته شده است، او با شهر محل سکونت خود تماس گرفت و تلفنی حال شوهرش را پرسید با کمال تعجب شنید که پسرش به همراه چند تن از جوانان که در یک راهپیمایی معمولی برای مطالبه حقوق قانونی خود شرکت کرده بود، به دست مزدوران بعثی با نهایت بی‌رحمی هدف گلوله قرار گرفته و به

شهادت رسیده است. بدین ترتیب معلوم شد که رؤیای آن مادر، کاملاً درست است و آن شهید نزد سیدالشهدا علیه السلام به جایگاه بلندی رسیده است.

خاطره‌ای از شهیدان اربعین

مردم عراق هر سال، پیش از اربعین آماده زیارت امام حسین علیه السلام شده و از هر نقطه به سوی زمین مقدس کربلا رو می‌آورند.

در سالی که انقلاب اربعین صورت گرفت جمعیت انبوهی از ملت مسلمان عراق در راه سفر به کربلا، شعارهای «زنده باد قرآن» و «مرگ بر دشمنان اسلام» و «درود بر آزادی» سر می‌دادند.

ناگهان نظامیان کافر، از زمین و هوا به آنها شلیک کرده و آنها را شهید نمودند. یکی از این شهیدان، تنها فرزند خانواده بود و مادر پیرش شب و روز در سوگش می‌گریست و هر کوششی برای آرام کردنش بی‌ثمر بود.

یک روز صبح، این مادر از خواب برخاست ولی بسیار آرام بود. از او پرسیدند ما روزهای پیش نمی‌توانستیم شما را ساکت کنیم در شگفتیم که امروز چرا بی‌تابی نمی‌کنید؟

پیرزن اشکهای خود را با دستش پاک کرد و گفت:
فرزند شهیدم از من خواهش کرد و من به درخواست او ساکت شدم.
وقتی از او توضیح خواستند گفت:

دیشب او را در خواب دیده و در آغوش گرفتم و ساعتی گریه کردم او به من گفت:
مادر جان، امام حسین علیه السلام شهیدان زیادی دارد که از روز شهادتش تا کنون، هر روز
به او می پیوندند که من هم یکی از اینها هستم.

مادر جان آیا دوست نداری روز قیامت از تو شفاعت کنم تا با مادرش فاطمه زهرا علیها
السلام به بهشت درآیی؟

گفتم: این آرزوی دیرینه من است.

گفت: به این شرط که ساکت شوی و آرام گیری.

گفتم: چشم ساکت می شوم و آرام می گیرم.

شهیدان زنده‌اند

آری، زنده بودن شهیدان راه خدا، نیز از حقایق این دنیا است که خداوند در کتاب ارجمنده از آن خبر داده است:

﴿لَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أحيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ﴾^۱

«کسانی را که در راه خدا کشته می‌شوند، مرده نخوانید بلکه زنده‌اند ولی شما نمی‌دانید.»
و در جای دیگر فرموده است:

﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أحيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ﴾^۲

«هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده‌اند مرده مپندارید، بلکه زنده‌اند که نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند.»

خداوند برای زنده بودن شهیدان نشانه‌ای ملموس قرارداد تا این حقیقت به باور برسد و کسی را توان انکارش نباشد و به همین دلیل بدن یکی از شهدا که مدتها پس از شهادت به دست مردم افتاد هنوز طراوت خود را از دست نداده بود با آنکه طبق محاسبات طبیعی، انسان پس از اینکه جان می‌دهد و به خاک سپرده می‌شود، خاک، بدنش را فرسوده می‌کند و لباسهای خونین او را از بین می‌برد اما خداوند به قدرت خود، سلامت جسد شهید و دگرگون نشدن لباسهای او را نشانه‌ای از زنده بودن او قرار داده است تا پرده از این حقیقت شگفت‌انگیز بردارد.

۱- سوره بقره: آیه ۱۵۴.

۲- سوره آل عمران: آیه ۱۶۹.

با حَقِيقُوقِ پيامبرِ عليه السلام

زنده بودن شهدا يك سنّت الهی است كه ویژه این امت نبوده است، گرچه شهدای اسلام و به ویژه معصومین: جایگاهی والاتر و مقامی بلندتر از شهیدان امتهای پیشین دارند. این شهیدان گرانقدر سالها پس از شهادت، گویی هم‌اکنون جان داده‌اند كه هنوز بدن ایشان با طراوت و كفن‌ها و لباسهایشان سالم مانده است.

حضرت حقیق پيامبر یکی از شهدایی است كه سالها پس از شهادتش به جسد او دست یافتند كه تصویر آن را با دوربین فیلمبرداری، ضبط کرده و سپس به خاک سپردند و من خود نوار ویدئویی آن را مشاهده نمودم!

چهره حقیق پيامبر گندم‌گون و مایل به سرخی بوده كه به اهالی سوریه و لبنان شباهت داشته است و مانند مردم آسیای میانه، بلند قامت و چهارشانه و خوش سیما بوده است. زخمی عمیق در پشت سرش به چشم می‌خورد كه نشان می‌داد كافرانی بنی‌اسرائیل وحشیانه از پشت سر به او حمله کرده و ضربه‌ای بر سرش وارد کرده‌اند.

چگونه به جسد این پيامبر بلندمرتبه دست یافتند؟

داستان اینگونه است كه چند یهودی صهیونیست تصمیم گرفتند جسد این پيامبر را بدزدند. به این منظور، مرقد مطهرش را كه در شهر تویسرکان است حفر نمودند تا جسد را مخفیانه به اسرائیل یا لندن یا جای دیگر ببرند، اما ناگهان سپیده صبح می‌دمد و روشنی روز رسوایشان می‌كند ناچار جسد را رها نموده پا به فرار می‌گذارند تا به دست مردم نیفتند، خدای متعال این جسد را به مردم نشان داد تا مردم سراسر جهان ببینند كه شهیدان زنده‌اند و نشانه زندگی آنها، تازه بودن بدنهای مطهر آنان است.

۱- فیلمبرداری و گزارش كامل توسط رئیس دانشگاه آزاد تویسرکان انجام شده بود كه خود ایشان موفق به دیدار جسد مبارك حقیق و لمس سر آن جناب شده بود.

حضرت حقیق علیه السلام پیامبری بود که هم زمان با دانیال پیغمبر علیه السلام - دو هزار و ششصد سال پیش - در قوم بنی اسرائیل زندگی می کرده و هر دو به دست کافران کشته شده‌اند.

این دو پیامبر در بابل (عراق) اسیر می شوند و سپس با هم به ایران می آیند. حضرت حقیق علیه السلام در مازندران و حضرت دانیال علیه السلام در خوزستان، مشغول ارشاد و راهنمایی مردم می شوند تا به شهادت می رسند و یکی در تویسرکان و دیگری در شهر شوش به خاک سپرده می شود.

دانیال پیغمبر علیه السلام

جسد این پیامبر بزرگوار چگونه به دست مردم کشف شد؟
در تاریخ آمده است: ارتش اسلام، به رهبری ابوموسی اشعری ایران را فتح نموده و از دست حکومت ساسانیان رهانید.

یک روز که ابوموسی در شهر گشت می زد، به اتاق دربسته ای رسید که توجهش را جلب نمود، دستور داد قفل آن را شکستند، وقتی وارد اتاق شد، یک جعبه شیشه ای دید که جنازه ای در آن قرار داشت. گویا همین الان از دنیا رفته و یا اینکه خوابیده است، بدن سالم و با طراوت بود.

از این ماجرا شگفت زده شد و از مردم شهر پرسید که راز این مرده چیست؟
گفتند: چیزی نمی دانیم، اما روزی از روزها که شهر ما دچار خشکسالی شده بود این جعبه شیشه ای را از اتاق بیرون آورده و زیر آسمان قرار دادیم، بی درنگ آسمان از ابر پوشیده شد و باران شدیدی بارید!

ابوموسی با شگفتی گزارشی از این ماجرا را در نامه ای برای عمر بن خطاب که در مدینه بود نوشت. این داستان برای عمر مبهم بود ناچار از حضرت علی علیه السلام پرسید.
ایشان فرمودند: این جسد دانیال پیغمبر است و یکی از فیوضات پیامبران خدا این است که اگر جسدشان زیر آسمان قرار گیرد آسمان می بارد، سپس امیرمؤمنان علی علیه السلام به عمر دستور داد تا نامه ای به ابوموسی بنویسد و در آن دستور غسل و کفن و دفن دانیال پیغمبر را صادر کند.

آنها چنین کردند و آن حضرت در مرقد کنونی به خاک سپرده شد.

آری، پیامبران و امامان: و نیز شهیدان زنده‌اند و نزد پروردگار خویش روزی می‌دارند و قبرهای آنها از نشانه‌های شگفت‌انگیز الهی است که کرامتها از آن پدیدار می‌شود و دعا‌های مردم در آن اماکن به اجابت می‌رسد.

در روایات متعددی پیرامون امام حسین علیه السلام آمده است:

« اِنَّ الشَّقَاءَ فِي ثُرَيْبَتِهِ وَاسْتِجَابَةَ الدُّعَاءِ تَحْتَ قَبْتِهِ وَالْاِيْمَةَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ »^۱

« در تربیت او درمان هر دردی است و دعا زیر گنبد مطهرش به اجابت می‌رسد و امامان: از نسل او هستند. »

از این رو بر ماست که شعائر حسینی را ارج نهیم و با همه توان پاس بداریم و برای زیارت آن حضرت از بذل مال و جان دریغ نورزیم که روزی از امام صادق علیه السلام پرسیدند: آیا شما موافقید که ما برای زیارت امام حسین علیه السلام سوار کشتی شویم با آنکه احتمال می‌رود در آب فرو برود و غرق شویم؟

حضرت فرمود: هیچ اشکالی ندارد چون بی‌درنگ به درون بهشت فرو رفته است!! نیز بر ماست که برای نگهداری قوانین اسلام همت کنیم چرا که سالار شهیدان برای زنده کردن دین جان خود را فدا نمود.

چنانکه آن شاعر عاشق امام حسین علیه السلام از زبان حضرت چنین سروده است:

اِنْ كَانَ دِينَ مُحَمَّدٍ لَمْ يَسْتَقِمَّ
اِلَّا بِقَتْلِ فَيَا سَيُوفُ خُذْنِي

« اگر دین محمد صلی الله علیه و آله و سلم جز به کشته شدن من پاینده نمی‌ماند پس ای شمشیرها مرا در بر گیرید. »

احترام تربت امام حسین علیه السلام

خداوند تربت حضرت سیدالشهدا علیه السلام را عزیز و گرامی داشته و برای آن ارج و احترام زیادی قایل شده است و خاک کربلا را قسمتی از زمین بهشت دانسته است.

کربلا گهواره نیکی‌ها و برکت‌ها است.

کربلا پناهگاه و ارستگان و آرامگاه سرور جوانان بهشتی و مدرسه خویشنداری و ارزشهای انسانی است که حتی بر کعبه شرافت دارد و خاک آن درمان هر دردی است و همه این ویژگیها از حرمت و مقام والای امام حسین علیه السلام سرچشمه گرفته است.

علمای پیشین برای زمین کربلا احترام بسیار زیادی قایل بودند و هرگز راضی به آلوده شدن آن نمی‌شدند مردم هم در این امر مهم، از آنان پیروی می‌کردند.

درباره علامه حلّی قدس سره^۱ نقل شده است که ایشان هرگز در زمین مقدس کربلا قضای حاجت نمی‌کرد و به پاس حرمت آن تربت پاک، فضولات خود را در ظرف بزرگی جمع نموده، به وسیله چهارپایان از زمین کربلا دور می‌کرد و آنجا دفن می‌نمود.

اگر تأمل کنیم می‌بینیم که این کار بسیار دشواری است اما علامه حلّی قدس سره پایبند به آن بود.

هم اکنون آرامگاه این بزرگ مرد، نزدیک حرم پربرت حسینی، در خیابان قبله کربلا می‌باشد.

روزهایی که در کربلای معلّی بودیم رسم بود که عروس و داماد در شب عروسی از آبی که آمیخته به تربت امام حسین علیه السلام بود می‌نوشیدند تا زندگی زناشویی آنها از آغاز، سرشار از خیر و برکت و خوشبختی و آسایش و آرامش و نویدبخش یک نسل پاک و مبارک شود.

۱- یکی از دانشمندان پرآوازه است که شیخ احمد نام داشته و به ابن فهد حلّی مشهور بوده است.

همچنین رسم بود پیش از ورود به حجله عروسی، گوشه‌هایی از مصیبت حضرت اباعبدالله علیه السلام را برای عروس و داماد می‌خواندند تا به یاد آن خاندان پاک باشند و از اخلاق و رفتار آنان سرمشق گیرند.

همچنین - طبق روایات و روش عملی اهل بیت علیه السلام - رسم است که قدری از تربت امام حسین علیه السلام را هنگام خاکسپاری همراه جنازه در قبر می‌گذارند تا او را از فشار قبر و دشواریهای آن بیمه کنند.

مرحوم پدرم قدس سره وصیت نمود قرآنش را با او در قبر بگذاریم چون این قرآن، همیشه همراهش بود و با آن، همه آیات و سوره‌ها را حفظ کرده بود. نیز وصیت کرد قدری از تربت امام حسین علیه السلام را با او در قبر بگذاریم. این تربت همیشه با او بود و هر سال، روز عاشورا تبدیل به خون می‌شد و پس از روز عاشورا به حالت معمولی خود برمی‌گشت. ما نیز به وصیت او جامه عمل پوشانیدیم.

همچنین رسم بود که کام نوزادان را با آب تربت امام حسین علیه السلام باز کنیم تا اولین غذایی که وارد بدنشان می‌شود، بهترین چیز روی زمین باشد.

بدین ترتیب کودکان با عشق امام حسین علیه السلام پرورش می‌یافتند و امید آن بود که پیرو او باشند و روش زندگی خود را از او بیاموزند.

خواندن قرآن بر سر نیزه

در تاریخ آمده است که سر مطهر امام حسین علیه السلام حدود بیست مرتبه آیات قرآن را تلاوت فرمود و در حالی سخن گفت که از بدن شریفش جدا بود خواه بر سر نیزه یا در میان تشت و از این موارد پنج نکته استفاده می شود:

۱- امام حسین علیه السلام یک شهید زنده است، زیرا خدا در مورد همه شهدا فرموده است:

﴿أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ﴾^۱

و آن حضرت سرور همه شهیدان، از آغاز تا سرانجام تاریخ بشر است.

۲- امام حسین علیه السلام زنده است زیرا او از اهل بیتی است که قرآن در شأن آنها فرموده است:

(خداوند خواسته است هر نوع آلودگی را از شما خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بزدايد و شما را پاک و پاکیزه گرداند).^۲

و این خاندان: مرگشان همچون مرگ ما نیست بلکه مردن آنان عین زندگی آنهاست.

در حدیث آمده است که عباس عموی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به امیرمؤمنان علی علیه السلام گفت: مردم می خواهند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را در بقیع به خاک سپارند و شخصی آماده شده تا امام جماعت باشد و بر ایشان نماز بگذارد.

حضرت فرمودند: « رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم امام است خواه مرده باشد و خواه زنده و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است که مرا در جایی که جان می دهم به خاک بسپارید.

۱- شهیدان زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی می‌یابند، سوره آل عمران: آیه ۱۶۹.

۲- ﴿أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً﴾، سوره احزاب: آیه ۳۳.

سپس حضرت علی علیه السلام برخاست و بر رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نماز گزارد و از مردم خواست تا به صورت گروههای ده نفری نماز بگزارند و بروند.^۱ شخصی به نام سماعه نیز حدیثی از امام صادق علیه السلام نقل کرده که همین مفهوم را می‌رساند.

می‌گوید: روزی امام صادق علیه السلام فرمود: شما را چه می‌شود که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم را دلگیر و اندوهگین می‌کنید؟ مردم پرسیدند: چگونه او را دلگیر کردیم؟ فرمود: آیا نمی‌دانید گزارش کردار شما بر او عرضه می‌شود و اگر گناهی در آن ببیند دلگیر می‌شود؟ مواظب باشید او را اندوهگین نکنید، بلکه او را خوشحال کنید.^۲ شخصی به نام و شاء نیز می‌گوید: شنیدم امام رضا علیه السلام فرمود: « همه کارها بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم عرضه می‌شود چه کارهای خوب و چه کارهای بد. »^۳

و مانند این احادیث بسیار است که ثابت می‌کند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و خاندان معصومش زنده‌اند و در برخی از این احادیث به این آیه استدلال شده است.

﴿وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللّٰهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ...﴾^۴

« و بگو هر کاری که می‌خواهید انجام دهید به تحقیق خدا و پیامبر او و مؤمنان کردار شما را خواهند دید... »

۳- امام حسین علیه السلام همتای قرآن بلکه قرآن ناطق است. چنانکه جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم او را و همه ائمه را چنین معرفی کرد:

۱- اصول کافی: جلد ۱، صفحه ۵۲۲.

۲- اصول کافی: جلد ۱، صفحه ۲۷۷.

۳- اصول کافی: جلد ۱، صفحه ۲۷۷.

۴- سوره توبه: آیه ۱۰۵.

« اِنِّیْ مُخَلَّفٌ فِیْكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللّٰهِ وَ عِثْرَتِیْ اَهْلَیْیْتِیْ »^۱

« من دو گوهر گرانبها بین شما می گذارم یکی قرآن و دیگری اهل بیتم... »

که این حدیث را شیعه و اهل سنت قبول دارند.

۴- امام حسین علیه السلام از جانب خدای متعال برای مردم تعیین شده است و کسی که از سوی خدا پیشوای مردم گردد، حتماً باید قرآن را که کتاب و برنامه و قانون الهی است به کار بندد بنابراین اما حسین علیه السلام حتی پس از شهادتش قرآن را حرف به حرف به کار بسته است.

برای نمونه هنگامی که سر آن حضرت در کوفه در برابر اتاق یزید بن ارقم می رسد این آیه را می خواند:

﴿ اَمْ حَسِبْتَ اَنْ اَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِیْمِ كَانُوْا مِنْ اٰیَاتِنَا عَجَبًا ﴾^۲

« آیا پنداشتی که اصحاب کهف و رقیم (خفتگان غار لوحه دار) از نشانه های شگفت انگیز

ما بوده اند؟ »

یزید می گوید: با شنیدن این آیه از سر بریده، لرزه بر جانم افتاد و بانگ بر آوردم:

ای فرزند پیامبر سر تو بسیار شگفت آورتر است!^۳

و هنگامی که یزید سر پاک امام حسین علیه السلام را در طشت قرار داد و به قصد بی احترامی، بزم شراب و شطرنج بر آن گسترده، در حالی که شراب می نوشید و قماربازی می کرد با چوب دستی خود بر دندانهای مبارک سیدالشهدا علیه السلام می کوبید، سر مطهر این آیه را تلاوت فرمود:

﴿ ... وَ سَيَعْلَمُ الَّذِیْنَ ظَلَمُوْا اَیُّ مُنْقَلَبٍ یَنْقَلِبُوْنَ ﴾^۴

« ... و کسانی که ستم کرده اند به زودی خواهند دانست

۱- بحارالانوار: جلد ۵، صفحه ۶۸.

۲- سوره کهف: آیه ۹.

۳- بحارالانوار: جلد ۴۵، صفحه ۱۲۱.

۴- سوره شعرا: آیه ۲۲۷.

به کدام باز گشتگاه برخواهند گشت. »

با این آیه همه افراد مجلس به لرزه می افتند و تخت یزید متزلزل می شود و پایه های سلطه ظالمانه بنی امیه را سست می نماید.

۵- و نکته پنجم اینکه نشان می دهد امام حسین علیه السلام تا چه اندازه به قرآن کریم اهمیت می داده است و قرآن نیز از چه جایگاه بلندی برخوردار است که آن بزرگوار حتی پس از شهادت، سربریده اش بر فراز نیزه تأکید بر قرآن و تلاوت آن دارد.

امام حسین علیه السلام شعار قرآن را سر می دهد

سر امام حسین علیه السلام بالای نیزه و در مجلس عیدالله بن زیاد و در مجلس یزید شرابخوار و قمارباز قرآن خواند.

همان گونه که پدرش حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام در نخستین روزهای تولد - روز سوم - هنگامی که مادر مکرمه اش فاطمه بنت اسد او را از کعبه خارج نمود در دامان پیامبر اکرم قرآن تلاوت نمود و همان گونه که قبل از آن حضرت، جناب عیسی بن مریم ۸ در گهواره آیات الهی ﴿ اِنِّی عَبْدُاللهِ اَتَانِی الْکِتَابَ وَ جَعَلَنِی نَبِیًّا ﴾ را می خواند.

و امام حسین علیه السلام این آیات قرآن را می خواند تا به همه مردم تا روز رستاخیز خاطر نشان کند که آیات قرآن، تا چه حد حائز اهمیت است و اینکه اگر مردم آن را به کار بندند در دنیا خوشبخت می شوند!

و این نه تنها عمل به آیه های نماز و روزه را می طلبد بلکه عمل به همه آیات را از قبیل آیه شوری که می فرماید:

﴿ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ ﴾^۱

« و در کارهای خود با یکدیگر مشورت می کنند »

که مردم را از قرار گرفتن در زیر سلطه استبداد و دیکتاتوری حفظ می کند.
و آیه آزادی:

﴿ يَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ ﴾^۲

« احکام پر رنج و مشقتی را که - از روی جهل و هوای نفس - چون زنجیر به گردن خود
نهاده اند را برمی دارد ».

که آنها را از سرخوردگی، اختناق، بردگی، مزدوری و عقب ماندگی نگاه می دارد.
و آیه اخوت و برادری که فرماید:

﴿ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ ﴾^۳

« به حقیقت مؤمنان همه برادر یکدیگرند ».

که آنها را از اختلاف و تفرقه و کشمکش بازمی دارد.

همچنین آیه اتحاد که می فرماید:

﴿ وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ ﴾^۴

« و همانا این امت (شما مسلمانان) امتی یگانه است و من پروردگارتان

هستم پس تقوای الهی را پیشه سازید ».

این آیه همه مسلمانان را یک امت می داند که باید تاریخ مشترک و ارزش اقتصادی مشترک
داشته باشند و مرزهای جغرافیایی و موانع روحی آنها را از یکدیگر دور نکند.

۱- سوره شوری: آیه ۳۸.

۲- سوره اعراف: آیه ۱۵۷.

۳- سوره حجرات: آیه ۱۰.

۴- سوره مؤمنون: آیه ۵۲.

اگر مسلمانان چنین کنند و یکدیگر را از هر نژاد و ملّتی که باشند یک امت بدانند قدرتی پیدا می‌کنند که هیچ دشمنی جرأت دستبرد به آنها را نخواهد داشت و هیچ پلیدی خیال تاراج آنها را در سر نخواهد پروراند.

و آیه دیگری که می‌فرماید:

﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾^۱

«قطعاً برای شما در (اقتدا به) رسول خدا سرمشقی نیکوست...»

این آیه از مردم می‌خواهد که از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پیروی کنند و از رفتار و گفتار او سرمشق بگیرند تا به خوشبختی دنیا و آخرت نایل آیند.

و از جمله سخنان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم این است که می‌فرماید:

«الْأَرْضُ لِلَّهِ وَلِمَنْ عَمَّرَهَا»^۲

«مالک زمین خداست و هر آن کس که آبادش کند»

که پیروی از این گفتار زیبای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مشکل زمین را حل می‌کند و راهکاری است برای حل مسئله مسکن همسران جوان که یکی از سخت‌ترین گرفتاری آنها در امر ازدواج است و نیز مانع این می‌شود که زمین مورد تجارت ثروتمندان و دولتمردان باشد.

زیرا بسیاری از سرمایه‌داران قطعه‌های زمین را به ازای پول هنگفت خرید و فروش می‌کنند و این هواپرستی‌ها برای مردم مشکل مسکن ایجاد می‌کند و اقتصاد را از حرکت بازمی‌دارد و مانع ازدواج جوانان می‌شود که این خود، فساد در جامعه را روزافزون می‌کند.

یک آمار رسمی از کشورهای اسلامی شمار جوانان ناکام از ازدواج را چنین گزارش

می‌دهد:

۱- سوره احزاب: آیه ۲۱.

۲- کافی: جلد ۵، صفحه ۲۷۹، حدیث ۲، وسایل الشیعة: جلد ۲۵، صفحه ۴۱۴، حدیث ۳۲۲۴۵.

« پانزده میلیون دختر و پسر جوان در فلان کشور در حال تجرد به سر می‌برند! در حالی که همه آنها در سن ازدواج قرار دارند! ».

آیا این بلای خانمان‌سوزی نیست؟

آیا این ناکامی در ازدواج، جوانان را در آتش فساد نمی‌سوزاند؟ و آیا هستی جامعه را به خاک سیاه نمی‌نشانند؟

همه این مسائل به دلیل آن است که مسلمانان دست از قرآن کشیده، قوانین آن را پشت سر نهاده‌اند.

در کتاب آسمانی خدا و سخنان پیامبر اکرم و زندگی خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برنامه‌های زیادی وجود دارد که در زندگی مسلمانان به فراموشی سپرده شده است. البته ما بسیاری از آن برنامه‌ها را در کتابهای خود به طور مفصل به تحلیل و بررسی آنها پرداخته‌ایم که اینجا به مختصری از آن اشاره می‌کنیم.

آزادیهای اساسی در اسلام

امروزه مسلمانان آزادیهایی را که خدا به آنها بخشیده و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان: به آن توصیه کرده‌اند به فراموشی سپرده‌اند و به همین علت دچار قهقرا و عقب‌افتادگی شده‌اند و از پیشرفت و توسعه جا مانده‌اند.

در حالی که دیگران (غیر مسلمانان) از همان آزادیها استفاده کرده‌اند و با وجود عقاید نادرست، اما به خاطر آزادی توانسته‌اند راهی به سوی آسودگی و خوشبختی پیدا کنند. برای نمونه در تاریخ آمده است که در زمان امام سجاد علیه السلام چهار میلیون و نیم مسلمان برای وقوف در عرفات گرد هم آمده بودند.

این در حالی بود که آنها از وسایل نقلیه مدرن امروزی بی‌بهره بودند.

اما آنها روح همکاری و دلجویی و دستگیری از یکدیگر داشتند و با یکدیگر احساس بیگانگی نداشتند و با توجه به اینکه بیش از یک قرن از اسلام نگذشته بود مردم در برنامه‌های مذهبی و اجتماعی، حضوری فعال داشتند این در حالی است که امروزه و پس از گذشت چهارده قرن و با وجود وسایل نقلیه پیشرفته و فراوانی جمعیت مسلمانان کمتر از دو میلیون نفر از آنها مراسم حج را انجام می‌دهند.

این در حالی است که اسلام بر فریضه حج تأکید فراوان دارد تا آنجا که خواسته است تا هر شب ماه مبارک رمضان دعا کنند:

«اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِي عَامِي هَذَا وَفِي كُلِّ عَامٍ»^۱

«خدایا حج و طواف کعبه را هر ساله روزی من بنمای»

تا با این دعا هر روز به یاد این کنگره عظیم جهانی باشند.

راستی دلیل این همه کوتاهی چیست؟

پاسخ آن است که دولتمردان کشورهای اسلامی بر خلاف حکم اسلام ملت‌های خود را از آزادیهای مشروع بی‌بهره گذاشته و در راه حج سنگ‌اندازیهای فراوانی می‌کنند که این فریضه را برای مردم بسیار دشوار نموده است با اینکه هر یک از این دولتها ادعای مسلمانی دارند و سنگ اسلام را بر سینه می‌کوبند.

اگر دولتمردان کشورهای اسلامی در مورد یک برنامه عبادی قطعی، ثابت و دیرینه این

همه سخت‌گیری کنند پس مسائل سیاسی و غیر آنچه وضعی خواهند داشت؟

راهی به سوی سعادت

برای درمان این دردها و بازگشت مسلمانان به آزادیهای اولیه باید ملت‌ها بیدار شوند و در مورد فرهنگ تعدد احزاب آگاهی پیدا کنند که مهمترین نیاز امروز مسلمانان ایجاد فرهنگ احزاب و مطبوعات آزاد است.

همچنین باید مرکزی وجود داشته باشد تا اقدامات نظام حاکم بر جامعه اسلامی را در ریز و درشت مسائل مورد سؤال و بازخواست قرار دهد و راه خودمحموری و استبداد را بر آنها ببندد و راست را از دروغ و واقعیت را از غیر آن تمیز دهد و گر نه مشرکان هم در روز رستاخیز با سوگند ادعای ایمان می‌کنند:

﴿ وَاللّٰهُ رَبُّنَا مَا كُنَّا مُشْرِكِينَ ﴾^۱

« به خدایی که پروردگار ماست، سوگند که ما مشرک نبودیم »

بنابراین گفتن هر سخنی و ادعا کردن هر مطلبی، کار آسانی است اما آنچه که گفتار را محک می‌زند و راست و دروغ ادعاها را روشن می‌کند واقعیت است. چه بسا دولت‌های اسلامی، برای عقب‌نگه داشتن ملت‌های خود ادعاهای پوچ می‌کنند که راز این مسئله در دو مطلب نهفته است:

اول: مشکل دولت‌ها.

دوم: مشکل ملت‌ها.

مشکل ملت‌ها و حکومت‌ها

مشکلات ملت‌ها

در فصلهای گذشته یادآور شدیم که عدم آگاهی ملت‌ها از آزادیهای اسلام و فرهنگ چند حزبی، همه‌پرسی و نظام شورای مراجع اسلامی مشکل اصلی - اجتماعی و سیاسی - مسلمانان است و تا زمانی که مردم از این آگاهیها برخوردار نشوند مشکلات فعلی همچنان باقی خواهد ماند و روز به روز گسترده‌تر خواهد شد و ملت‌ها فردایی تیره‌تر از دیروز خواهند داشت همان گونه که این وضعیت در زمان ما کاملاً محسوس است که برای برطرف شدن این بحرانها باید مردم به طور مسالمت‌آمیز، آزادیهای اساسی خود را مطالبه کنند.

مشکلات حکومت‌ها

یکی از بارزترین مشکلات حکومت‌ها دور شدن از اسلام و احکام قرآن و پناه بردن به ابرقدرتهای ستمگر شرق و غرب می‌باشد.

در حالی که خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ﴾

«و بر آنان که ستم می‌ورزند تکیه نکنید که آتش (عذاب) شما را درمی‌یابد»

یکی دیگر از مشکلات حکومتها این است که از ملت‌های خود فاصله گرفته‌اند و هرگز به مصالح و منافع آنان نمی‌اندیشند، بلکه همه هدفشان این است که بر ملت‌ها چیره شوند و برای نادان نگه داشتن آنها برنامه‌ریزی کرده و ثروت‌هایشان را چپاول کنند که این رویه عمومی حکومت‌های کشورهای اسلامی از زمان حکومت عثمانی تا کنون بوده است.

ولی هم‌اکنون زمینه‌ها و شرایط عمومی حاکم بر جهان تغییر یافته و واژه‌هایی همچون فشار و استبداد و سکوت معنایی ندارد، زیرا وسایل ارتباط جمعی به خصوص ماهواره و اینترنت تمام مرزها را شکسته‌اند و باید از این طریق، حکومتها را به اسلام و قرآن متوجه ساخت و محیط را برای ایجاد نظام چند حزبی و رهبری مملکت‌های اسلامی بر اساس شورای فقهای اسلامی آماده ساخت تا حکومت‌های اسلامی بدین وسیله رشد کرده و شکوفا شوند و استوار بمانند و به پیروی و نصرت نهایی که همانا وعده الهی است دست یابند چرا که قرآن می‌فرماید:

﴿ وَ أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴾^۱

« و شما برترید اگر ایمان به خدا داشته باشید »

و آنچنان که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

« الْإِسْلَامُ يَعْلُو وَلَا يُعْلَى عَلَيْهِ »^۲

« اسلام برتر است و هیچ چیز بر او برتری نمی‌یابد »

اما وضعیت کنونی کشورهای اسلامی نتیجه‌ای جز ویرانی و نابودی در بر ندارد که البته چنین حکومت‌هایی بر اثر انقلاب‌های مردمی و یا فشارهای جریانات سیاسی گروه‌های مخالف سرنگون می‌شوند همان گونه که از دیدگاه معنوی هم سقوط خواهند کرد.

« و خداوند در کمین ستمکاران است. »

۱- سوره آل عمران: آیه ۱۳۹.

۲- بحار الانوار: جلد ۳۹، صفحه ۴۷.

اسلام و نظام مشورتی

یکی از سخنوران مذهبی که برای نجات تبلیغات دینی ماه مبارک رمضان به آلمان سفر کرده بود برای من بازگو کرد که در بعد از ماه مبارک رمضان به بعضی از کشورهای اروپایی مسافرت کردم تا اینکه به رم (واتیکان) وارد شدم که قرار بود پاپ، رهبر مسیحیان جهان به مناسبت میلاد حضرت مسیح علیه السلام و سال جدید مسیحی سخنرانی کند. عده زیادی از کشیش‌ها و کاردینال‌ها جمع شده بودند و جمعیت بیشماری از جوانان مسیحی نیز در واتیکان حضور داشتند، تا هم سال نو را جشن بگیرند و هم سخنان پاپ را بشنوند.

بر اساس آمار منتشره تعداد شش میلیون نفر در آن مجلس حضور داشتند! در حقیقت دو عامل موجب اجتماع این جمعیت بیشماری شده بود اول، انگیزه درونی که بر اثر تبلیغات کشیش‌ها در میان مردم ایجاد شده بود تا به واتیکان بیایند و سخنان پدر روحانی دنیای مسیحیت را بشنوند و دوم اینکه مسافرت برای اروپاییان بسیار سهل و آسان است زیرا هر اروپایی می‌تواند بدون ویزا و بدون پرداخت عوارض ورود و خروج و بازرسی و اجازه و... به تمام کشورهای اروپایی مسافرت کند.

بنابراین تشکیل چنین جمعیت عظیمی بر اساس عدم وجود موانع مرزی و وجود انگیزه‌های مذهبی استوار بود که در واقع اجتماع این جمعیت زیاد از کشورهای مختلف با فرهنگ و زبانهای متفاوت و با برخورداری از موقعیت‌های اجتماعی گوناگون فقط و فقط بر اساس یک عقیده مشترک مذهبی بود.

ولی متأسفانه این روش در بین ما نیست که همه مسلمانان با تمام اختلافاتی که از نظر زبان و پوست و... دارند بتوانند در کنگره عظیمی چون حج جمع شوند، زیرا طبق آماري که از سوی کشور عربستان اعلام می‌شود تعداد حجاج از دو میلیون و اندی تجاوز نمی‌کند.

البته همان جلسه مشترک کشیش‌ها و کاردینال‌های مسیحی با اختلاف سلیقه‌ها و مرام‌های مختلف نیز برگرفته از نظریه شورای فقها است. در این فرمایش حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) لحظه‌ای توجه کنید که می‌فرماید:

(فَأَيُّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ)^۱

« فقها حجت من بر شما (شیعیان) هستند »

آن حضرت نمی‌فرماید: (فَإِنَّ أَحَدَهُمْ ...)، (یکی از فقیهان حجت من بر شماست)، زیرا حضرت به این مطلب عنایت داشته‌اند که فقها و مراجع در زمان غیبت با هم اجتماع کنند چرا که اجتماع آنها موجب عظمت و شوکت و برتریشان خواهد بود ولی اگر هر یک مستقل از دیگری وارد عمل شود بر اثر تک‌روی شکست خورده و ارزش و اعتبار خویش را از دست می‌دهد و در نهایت کسی برای اسلام و مسلمانان احترامی قایل نخواهد شد.

ای مسلمانان شورای فقها و مراجع کجاست؟

چرا در پی لغو مرزهای ساخته و پرداخته استعمار نیستید؟

آن هم مرزهایی که ارمغان غرب بوده و برای غارت و استثمار آسان‌تر کشورهای اسلامی ترسیم شده است.

برادری اسلامی که قرآن بر آن تأکید نموده است کجاست؟

با توجه به اینکه قرآن مسلمانان را « امت واحده » می‌نامد و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بر این مطلب تأکید می‌فرماید چرا ما یکدیگر را اجنبی و بیگانه می‌دانیم. به راستی که غرب عوامل پیشرفت خود را اعم از برداشتن مرزها، تشکیل جامعه متحد، واحد پول مشترک و مبدأ تاریخ یگانه و... را از اسلام و قرآن آموخت و پیش رفت و ما مسلمانان نیز کاستیها و زشتیهای فرهنگ غرب را آموخته و سرلوحه برنامه‌های خویش قرار دادیم و وصیت امیرالمؤمنین علی علیه السلام را فراموش کردیم آنجا که می‌فرماید:

(اللَّهُ أَلَّهُ فِي الْقُرْآنِ لَا يَسْتَقْتَكُم بِالْعَمَلِ بِهِ غَيْرُكُمْ)

« خدای را، خدای را، در مورد قرآن مبدا دیگران در عمل به آن بر شما سبقت گیرند. »

نتیجه رها کردن اسلام

آری، هر آنچه که موجب پیشرفت غرب شده است از اسلام وام گرفته شده است و ما مسلمانان اسلام را به کناری نهاده‌ایم و این موجب عقب‌افتادگی و ذلت ما گشته است و همچنین موجب شده است که مسلمانان هر روز بازیچه یکی از ابرقدرت‌ها شوند. به راستی فرمایش حضرت زهرا علیها السلام در خطبه معروفشان در مورد ما تحقق یافته است که فرمود:

« وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ مَذَقَّةَ الشَّارِبِ وَ نُهْزَةَ الطَّامِعِ وَ قُبْسَةَ الْعَجْلَانِ وَ مُوْطِيءَ الْأَقْدَامِ، تَشْرَبُونَ الطَّرْقَ وَ تَقْتَاتُونَ الْقِدِّ وَ الْوَرَقَ، اذَلَّةَ خَاسِئِينَ، تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِكُمْ »^۱

« شما در پرتگاه جهنم قرار گرفته بودید و محل چشیدن و آشامیدن تشنگان و فرصت طلبی طمع کاران و پایمال قدمها بودید آب گودالهای بیابانی را می‌آشامیدید و با غذاهای ناملایم (برگ درخت و پوست دباغی نشده) قوت می‌گرفتید، مردمان ضعیف و مطرود از جمله بودید به طوری که می‌ترسیدید مردم از اطراف شما را بربایند.»

و این گوشه‌ای از نتایج دوری ما از اسلام و قرآن است که خدای متعال می‌فرماید:

﴿ وَ مَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكاً ﴾^۲

« و هر آن کس که از یاد من روی برگرداند زندگی تلخ و دشواری برای او خواهد بود.»

و امروزه می‌بینیم که زندگی ما مسلمانان، تلخ و دشوار شده است و به خدا پناه می‌بریم از

اینکه ادامه آیه نیز بر ما مطابقت پیدا کند که می‌فرماید:

﴿ وَ نَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى ﴾^۱

۱- عوالم: جلد ۲، صفحه ۶۶۴.

۲- سوره طه: آیه ۱۲۴.

« و او را - کسی که از یاد خدا دوری کند - در روز قیامت نابینا محشور می کنیم »
آن هم روز قیامتی که هر روز آن پنجاه هزار سال به طول می انجامد.

بنابراین منظور از احیا و بزرگداشت عاشورا زنده نمودن اسلام و قرآن است.

همان گونه که شاعر قرن یازدهم... از زبان امام حسین علیه السلام این چنین می گوید:

ان کان دین محمد لم یستقم الا بقتلی فیا سیوف حذینی

« اگر دین محمد صلی الله علیه و آله و سلم جز به کشته شدن من پاینده نمی ماند پس ای

شمشیرها مرا در بر گیرید. »

عاشورا بهترین فرصت برای متوجه ساختن مسلمانان نسبت به وظایف مذهبی - اجتماعی

آنان و بازگشت به آیات قرآن کریم و سنت ائمه معصومین: است.

به امید آنکه خدای متعال ما را مشمول لطف و عنایت خویش قرار دهد که اگر به دامن

پربرکت قرآن و اهل بیت: باز نگردیم همان گونه که قرآن می فرماید:

﴿ وَاِنْ عُدْتُمْ عَدْنَا ﴾^۲

« و اگر به عصیان باز گردید عقوبت و مجازات نیز به شما بازمی گردد »

دچار غضب و عذاب الهی خواهیم شد.

۱- سوره طه: آیه ۱۲۴.

۲- سوره اسراء: آیه ۸.

اسلام دین علم و عمل

به راستی که مهمترین علت عقب افتادگی مسلمانان روی برگرداندن از اسلام است که امام حسین علیه السلام برای احیای آن کشته شد.

و هم اکنون اسلام غریب و بی یاور گشته همان گونه که پیامبر فرمودند:

« اسلام با غربت ظهور کرد و به زودی دوباره غریب خواهد شد ».

حتی حکومت‌هایی که به نام اسلام تشکیل شده‌اند در عمل، احکام اسلامی را اجرا نمی‌کنند و پرواضح است که ادعا و سخن‌سرایي مشکلی را حل نمی‌کند.

زیرا افرادی همچون یزید و معاویه نیز ادعای اسلام می‌نمودند و خود را خلیفه مسلمین می‌دانستند ولی در مقام عمل، برخلاف اسلام عمل می‌نمودند.

امروزه یکی از بارزترین مظاهر عقب افتادگی مسلمانان، درصد بالای بیسوادی در بین آنهاست و این مطلب عادی و طبیعی نیست بلکه بسیاری از حکمرانان کشورهای اسلامی بر این تعمد دارند که من نمونه‌هایی از این جریان را در کشورهای اسلامی از جمله عراق به چشم خود دیده‌ام.

در دوره حکومت پادشاهی عراق برای افتتاح مدرسه‌ای به نام مدرسه امام صادق علیه السلام تلاش نمودم تا گامی در راستای ترویج فرهنگ اسلامی (شیعی) برداشته باشم، حکومت عراق با توجه به اینکه در آن زمان پادشاهی بود و تا حدودی دارای آزادی از افتتاح مدرسه جلوگیری نمود و شرایط و مراحل متعددی برای تأسیس و افتتاح مدرسه قرار داد که بعد از مدتی توانستیم اجازه تأسیس مدرسه را بگیریم.

سپس هنگامی که حکومت پادشاهی بر اثر یک انقلاب درهم شکست که البته اینگونه انقلاب‌ها از طرف غرب سرمایه‌دار و یا شرق کمونیست پایه‌ریزی شده بود حکومت به اصطلاح جمهوری بر سرکار آمد و این حکومت جمهوری فوراً مدارس ما را که مجموعاً

شش مدرسه بود و حدود سه هزار دانش آموز را تربیت می نمود و همچنین مؤسسات فرهنگی مربوط به ما را تعطیل نمود.

همچنین هفتاد مرکز نشر و فروشگاه کتاب و هشتاد کتابخانه عمومی و امانی و پانزده مجله فرهنگی دینی را تعطیل نمود و پس از این جریان از فعالیت سی مدرسه که تابع حوزه های علمیه کربلا و نجف بود جلوگیری نمود.

در واقع بسیاری از حکمرانان کشورهای اسلامی بر خود واجب نموده اند که از پیشرفت ملت های خود به خصوص در زمینه مسائل علمی و پژوهشی جلوگیری کرده و آنان را عقب نگاه دارند.

با اینکه پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

(طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ)^۱

« بر هر زن و مرد مسلمان واجب است که جویای دانش باشند »

که فقهای ما به عنوان یک حکم شرعی گفته اند: آموختن صنعت ها بر همه مردم واجب کفایی است.^۲ ولی می بینید که استعمار و دست نشانده های آنان به طور صریح یا مخفی با گسترش علم و دانش در بین مسلمانان به شدت مبارزه می کنند.

و می بینیم که در هند آن زمان که تحت سلطه استعمار جنایتکار انگلیس بود آموزش قرآن را از طریق قانونی ممنوع کرد در حالی که دیدیم چگونه ژاپن در مدتی کمتر از پنجاه سال از نهایت ضعف به اوج ترقی و پیشرفت در علم و صنعت رسید.

و نمونه های دیگری که بیان آن از حوصله این کتاب خارج است.

بنابراین بر ماست که عاشورا را وسیله ای برای احیای احکام و دستورات اسلام در زمینه علم و عمل قرار دهیم زیرا در روایت آمده است:

۱- بحار الانوار: جلد ۱، صفحه ۱۷۷۷.

۲- بدین معنی که بر همه مردم جامعه واجب است که تک تک صنعت ها را آموزش ببینند و هرگاه عده ای از مسلمانان این کار را انجام دهند از عهده دیگران خارج می شود مانند وجوب جهاد که آن هم کفایی است.

« همانا دوستدار محمد صلی الله علیه و آله و سلم کسی است که خدا را اطاعت کند هر چند برده‌ای حبشی باشد و دشمن محمد صلی الله علیه و آله و سلم کسی است که خدای را نافرمانی کند هر چند بزرگ مرتبه‌ای از قریش باشد.»^۱

اسلام با بردگی مبارزه می‌کند

به راستی که بنی‌امیه مردم را به بردگی کشاندند و همان گونه که با نوکر رفتار می‌شود با مردم رفتار می‌کردند و آنها را از حقوق اولیه انسانی خود، محروم می‌نمودند. آزادیهای فردی و اجتماعی را از آنان سلب می‌نمودند و از مردم بیعت می‌گرفتند که بنده حکومت باشند و مال و جان و ناموس و دینشان در خدمت خلیفه و تشکیلات حکومت وقت باشد. و مصیبت آنجاست که تمام اینها به نام اسلام و جانشینی مشروع!! پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم انجام می‌گرفت و هیچ کسی جرأت پیدا نمی‌کرد که در مقابل این ستمها و جنایتها اعتراض کند و کسی توان نداشت که آنان را به احکام قرآن و اسلام دعوت کند چرا که می‌دانست کوچک‌ترین انتقاد و اعتراض موجب کشته شدن او خواهد شد. تنها کسی که خود را آماده شهادت کرد و به پا خاست و بنی‌امیه را نهی از منکر و امر به معروف نمود وجود مقدس حضرت ابی‌عبدالله الحسین علیه السلام بود که بنی‌امیه نیز وجود آن حضرت را تحمل نکردند زیرا دیدند که مصالح و منافع شخصی آنان در خطر است لذا وی و اهل بیت و یارانش را به شهادت رساندند. امام حسین علیه السلام در راه خدا و برای زنده کردن دین خدا و احیای آزادیهای فردی و اجتماعی اسلام شهید شد آن هم آزادیهایی که از طرف بنی‌امیه سرکوب شده بود.

۱- « إِنَّ وَلِيَّ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ لَوْ كَانَ عَبْدًا حَبَشِيًّا وَ إِنَّ عَدُوَّ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مَنْ عَصَى اللَّهَ وَ لَوْ كَانَ سَيِّدًا قُرَشِيًّا »

و آنچه که امام علیه السلام تأکید می نمود و در راه آن شهادت را به جان خرید بیان آزادیهای اسلامی بود که فرمود:

« أَلَا إِنَّ الدَّعِيَّ بْنَ الدَّعِيِّ قَدْ رَكَزَ بَيْنَ اثْنَتَيْنِ بَيْنَ السَّلَّةِ وَالذَّلَّةِ وَهَيْهَاتَ مِنَّا الذَّلَّةُ، يَا أَبَى اللَّهِ لَنَا ذَلِكَ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَحُجُورٌ طَابَتْ وَطَهَّرَتْ »^۱

« آگاه باشید که ناپاک فرزندان ناپاک - یزید بن معاویه - مرا بین دو راه قرار داده است شمشیر و ذلت، و ذلت از من دور است زیرا خدا و رسولش و مؤمنان و پاکدامنان، ذلت را بر ما نمی پسندند ».

آری خداوند ذلت و بندگی دیگران را بر ما نمی پسندد و حقارت بردگی و نوکری و پستی خضوع و تسلیم در برابر ستمگران را روا نمی دارد.

و به راستی که امام حسین علیه السلام به یاران خود، درس آزادگی و آزادمردی آموخت و هنگامی که بر بالین حر بن یزید ریاحی قدس سره حاضر شده و سر او را به دامان گرفتند - آن هم در حالی که حر در آستانه شهادت بود - به وی فرمودند:

« مادرت به درستی تو را حر (آزاد) نامید تو در دنیا آزاده و در آخرت خوشبخت خواهی بود ».^۲

و جناب حر هنگامی که برای جهاد به سوی میدان می رفت چنین رجز می خواند:

إِنِّي أَنَا الْحُرُّ وَمَأْوَى الضَّيْفِ أَضْرِبُكُمْ وَلَا أَرَى مِنْ حَيْفٍ

« به درستی که من آزاده‌ام و پناه میهمانانم با شما ستیز می کنم و در کشتن شما زیانی نمی بینم ».

چنانکه قبل از واقعه عاشورا مسلم بن عقیل علیه السلام نیز در کوفه چنین رجز می خواند:

أُقْسِمْتُ أَنْ لَا أُقْتَلَ إِلَّا حُرًّا وَإِنْ رَأَيْتُ الْمَوْتَ شَيْئًا نُكْرًا

۱- بحار الانوار: جلد ۴۵، صفحه ۸۳.

۲- « مَا أَحْطَأْتُ أُمَّكَ إِذْ سَمَّيْتِكَ حُرًّا، فَأَنْتَ حُرٌّ فِي الدُّنْيَا وَ سَعِيدٌ فِي الْآخِرَةِ ».

هر چند مرگ را ناپسند و سهمگین می‌بینم ولی سوگند خورده‌ام که جز به آزادی
کشته نشوم.

بین دین و آزادی منافاتی نیست

کسی چنین نپندارد که آزادی، با دین منافات و تضاد دارد، چه آنکه آزادی و آزادی از
اعماق دین ریشه می‌گیرد.

البته دین و مذهب با انجام کارهای ناشایستی همچون شرابخواری و خرید و فروش مواد
مخدر، قمار، فحشا، ساز و آواز، استبداد، غارت ملت‌ها، بی‌عدالتی و ستم، مصادره اموال
مردم و... مخالف است ولی آزادی‌هایی از قبیل تجارت، کشاورزی، صنعت و عمران، فرهنگ
و مطبوعات، سفر و اقامت و آزادی در هزاران بعد دیگر که ما در کتاب - آزادی از دیدگاه
فقه اسلامی^۱ - تعدادی از آنها را بر شمرده‌ایم همه از احکام و مسائل واضح اسلامی است که
مهمترین عامل پیشرفت سریع اسلام در اوایل ظهورش را می‌توان وجود همین آزادیها
دانست.

۱- الفقه الحرية: نوشته مؤلف محترم.

البته غرب از آن جایی که حرمتی برای منکرات و محرمات نمی‌بیند - چرا که تورات و انجیل تحریف شده آنان این محرمات را حلال شمرده است - آزادی را توسعه داده و شامل برخی از زشتیها نیز نموده است.

بنابراین ارتکاب محرمات الهی از لوازم آزادی نیست بلکه ناشی از عدم التزام مذهبی است و لذا مشاهده می‌کنیم که در کشورهای اسلامی ارتکاب محرمات آزاد است!! ولی آزادیهای مشروع و صحیح مردم را آن چنان سرکوب نموده‌اند که فقر و محرومیت دامنگیر یک میلیارد انسان شده است.

آیا این روش با اسلام سازگاری دارد؟

اسلامی که پیامبرش می‌فرماید:

« کسی که سیر بخوابد و همسایه‌اش گرسنه باشد به خدا و آخرت ایمان ندارد. »^۱

پس برماست که عاشورا را مظهري برای احیای آزادیهای مشروع از بین بردن مفسد و منکرات بدانیم و گرنه تنها انجام یک سری مراسم همیشگی و بدون توجه به اهداف عاشورا مانند آن است که بیماری نسخه پزشک را گرفته و بارها آن را مطالعه کند ولی بدان عمل نکند. که هیچ‌گاه از بیماری نجات نمی‌یابد. ما نیز با انجام برخی مراسم ظاهری از مشکلات و سختیها نجات پیدا نخواهیم کرد بلکه باید طبق هدف و پیام عاشورا عمل شود. چنان که در روایت آمده است:

(إِنَّ الْإِيمَانَ مَعْرِفَةٌ بِالْقَلْبِ وَ إِقْرَارٌ بِاللِّسَانِ وَ عَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ)^۲

« همانا ایمان شناخت قلبی و اقرار زبانی و عمل با اعضاء و جوارح است. »

۱- بحار الانوار: جلد ۷۷، صفحه ۱۹۳.

۲- نهج البلاغه: حکمت ۲۲۷.

پایداری اسلام به زنده بودن احکام آن می‌باشد

حال معنای اینکه امام حسین علیه السلام برای احیای اسلام کشته شد این است که او قیام نمود و خود را مهیای شهادت نمود تا احکام اسلام - که خیر و برکت دنیا را پیش از آخرت برای بشریت به همراه دارد - زنده کند.

زیرا بنی‌امیه هر آن کس را که برای تحقق اهداف و احکام اسلام و جلوگیری از ظلم، در مقابلشان می‌ایستاد تهمت می‌زدند که به اسلام حمله کرده است و بر خلیفه وقت خروج نموده است و همین دو اتهام کافی بود که حکم ارتداد و کفر وی را صادر کنند. برچسب کفر و ارتداد بهترین است مایه بنی‌امیه بود که به وسیله آن هر کسی را که می‌خواستند به قتل می‌رساندند.

همچنین یزید هنگامی که امام حسین علیه السلام او را دعوت به اسلام نمود حضرت را متهم به خروج از دین نمود و آن را بهانه‌ای برای کشتن حضرتش قرار داد، و امام حسین علیه السلام تمام این مسائل و جریانات را می‌دانست و با توجه به اینکه پایان این راه، شهادت است عزم خود را بر شهادت جزم نمود.

اگر امام حسین علیه السلام در زمان ما بود و می‌دید که برخی حاکمان فعلی که به نام اسلام حکومت می‌کنند و احکام اسلامی را اجرا نمی‌کنند هر آینه به پا می‌خاست و عمل نمودن به برنامه‌های اسلام را از آنان مطالبه می‌نمود همان گونه که در مقابل یزید به بنی‌امیه قیام نمود و از آنان مطالبه کرد.

آیا یزید و بنی‌امیه نمونه‌ای از استبداد و دیکتاتوریت نبودند؟ و آیا برای مخالفین خود، جوابی جز اعدام و شکنجه چیزی داشتند؟

آیا آزادیهای مشروع مردم را منع نمی‌کردند؟

و آیا حاکمان امروزی چنین نیستند؟ بلکه حکمرانان کشورهای اسلامی امروز، یک قدم از آنان جلوترند زیرا صریحاً اعلام می کنند که ما قوانین شرق و غرب را اجرا می کنیم و آشکارا احکام اسلام را رها می کنیم.
آیا خداوند نمی فرماید که:

﴿ خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ^۱ ﴾

« خداوند آنچه را که در زمین است برای شما آفرید »

و آیا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نمی فرماید:

« مَنْ أَحْيَا أَرْضًا مَيْتَةً فَهِيَ لَهُ »

« هر کس زمین مواتی را زنده کند پس آن زمین برای او است »

و آیا نفرمود که:

(مَنْ سَبَقَ إِلَى مَا لَمْ يَسْبِقْ إِلَيْهِ مُسْلِمٌ فَهُوَ أَحَقُّ بِهِ ^۲)

« کسی که بر چیزی (از مواهب طبیعی و مباحات اولیه مانند درختان، معادن، چمنزارهای بدون مالک، ماهیان دریا و رودخانه و...) از مسلمانان دیگر سبقت گیرد در استفاده از آن بر دیگران مقدم است ».

حال ببینید چگونه زمامداران کشورهای اسلامی این دو قانون الهی را تعطیل کرده و با آن مبارزه می کنند؟؟

پرواضح است که اگر بنا باشد هیچ کس حق کشاورزی، صید، کسب و کار، ساخت خانه، استفاده از معدن، تجارت و... نداشته باشد مگر به اجازه و عوارض گمرک و مالیات ... میلیونها مسلمان بی کار می مانند چرا که نتوانسته اند شرایط سنگین کار را فراهم کنند و لذا

۱- سوره بقره: آیه ۲۹.

۲- مستدرک الوسائل: جلد ۱۷، صفحه ۱۱۱.

میلیونها دختر و پسر جوان بدون همسر باقی می‌مانند چرا که سر پناهی برای زندگی ندارند، در حالی که دولت‌ها زمینها را مصادره کرده و ملک شخصی خود می‌دانند که این بر خلاف حکم خدا و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم که «در قرآن و سنت» بیان شده است.

و تفاوتی هم بین حکومت‌های پادشاهی و جمهوری نمی‌بینیم چرا که همگی برای تحقق اهداف معینی از قبیل عقب نگه‌داشتن مسلمانان، مصادره اموال و سرکوب آزادیهای مشروع آنان آمده‌اند.

پرواضح است که اگر جوانان مالک قطعه‌ای از زمین می‌شدند به مرور آن را ساخته و خانواده خویش را در آن ساکن می‌ساختند.

همان گونه که من در کربلا شاهد این برنامه بودم در آن زمان که حکومت عراق به مردم اجازه می‌داد تا با پرداخت مبلغ ناچیزی مالک قطعه‌ای از زمین شوند که این عمل باعث شد شهر مقدس کربلا در مدت سه سال توسعه پیدا کند به حدی که از شرق تا مرقد علامه ابن حمزه قدس سره و نزدیکیهای طویرج و از غرب تا مرقد جناب حر ریاحی قدس سره و از شمال تا مرقد عون قدس سره و از جنوب تا «حیُّ الحُسین علیه السلام» توسعه پیدا کرد.

بنابراین بر مسلمانان امروزی که تعدادشان از یک میلیارد تجاوز می‌کند لازم است اگر می‌خواهند از مشکلات فعلی نجات پیدا کنند و پیشرفت نمایند به اسلام باز گردند و احکام آن را اجرا کنند و قوانین اختراعی غرب و شرق را رها سازند و از زمامداران مستبد پیروی نکنند آنهایی که از پیشرفت مسلمانان و اجرای احکام خدا جلوگیری می‌کنند.

اولین و ضروری ترین حکم اسلامی

بر مسلمانان لازم است به عنوان اولین برنامه حکومت اسلامی، برادری اسلامی و امت واحده اسلامی را مد نظر قرار دهند و برای تحقق این حکومت اسلامی ابتدا می‌بایست کینه‌ها و پیش‌داوری‌های گذشته را به کناری نهند و مرزها و موانع جغرافیایی را برچینند که اجرای این حکم قرآنی نتایجی از قبیل قوت و شوکت مسلمانان، شکوفایی اقتصادی، کثرت درآمد، اشتغال‌زایی، به کار انداختن استعدادهای خاموش، تولید هر چه بیشتر، تسهیل مبادلات تجاری و انتقال تجربیات صنعتی و تجاری، نشر فرهنگ و انتقال اطلاعات و دانش بین مسلمانان را در پی دارد، همان گونه که مسلمانان صدر اسلام در یک کشور می‌زیستند و با هم الفت داشتند ما هم چنین باشیم.

شما ملاحظه کنید که « سیویه » آن عالم نحوی معروف، از دورترین نقطه ایران به عراق می‌آید و دانش خویش را نشر می‌دهد و دانشجویان زیادی به گرد خود جمع می‌کند. همچنین ناصر خسرو از افغانستان به ایران می‌آید و سخنانش را تبلیغ می‌کند. علمای شیعه جبل عامل لبنان مانند محقق دوم، شیخ بهایی و... از لبنان به اصفهان می‌آیند و کسب دانش می‌کنند.

آری، وحدت مسلمانان یک نظریه جدید و بی‌سابقه‌ای نیست بلکه تا قبل از تسلط استعمارگران بر کشورهای اسلامی، همه مسلمانان در سرزمینی واحد و در زیر پرچم اسلام می‌زیستند و بر اثر همین یگانگی عظمت و شوکت مسلمانان نمودار بود و علم و فرهنگ در میان‌شان منتشر شده بود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

(يَدْأِلُ اللّٰهَ مَعَ الْجَمَاعَةِ)

« دست خدا - کمک الهی - با جماعت است ».

که در کنار عظمت و شوکت، علم و فرهنگ، شکوفایی اقتصادی و تجارت آزاد و پرسود نیز دیده می شود همان گونه که خداوند در مورد حج می فرماید:

﴿لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ﴾^۱

« در کنار جنبه های عبادی و تربیتی منافع اقتصادی نیز هست ».

آری، مسلمانان ملّتی یگانه محسوب می شدند و برادرانه در سرزمینی واحد زندگی می کردند و بیگانه از عظمت و قوت آنان در هراس بودند و بر وحدت و برادری آنان حسد می ورزیدند و همواره در صدد تفرقه افکنی و ایجاد کینه و دشمنی برمی آمدند. ولی به این آرزو نرسیدند مگر آنکه اخیراً در کنگره « سایکس بیکو » بذر تفرقه و تضاد و دشمنی را در کشورهای اسلامی کاشته و برای آنان نقشه های جنگ و برادر کشی را ترسیم نمودند و برای مسلمانان مرزهای جغرافیایی تعیین نمودند و با شعار « ما آمده ایم تا شما را - از بند مشکلات - برهانیم و قصد فتح سرزمینهای شما را نداریم » بر کشورهای اسلامی مسلط شدند.

به عنوان مثال سوریه بزرگ را در نظر بگیرید که در آن زمان شامل فلسطین، اردن، لبنان، سوریه فعلی و اسکندریه می شد با نقشه های استعمارگرانه این سرزمین بزرگ و پربرکت اسلامی به پنج دولت به وسیله مرزها از یکدیگر جدا شد و از سال ۱۹۱۶ میلادی سوریه بزرگ وحدت خود را از دست داد در حالی که قبلاً همه این سرزمینها یک پارچه بود و به نام سنجق از آن یاد می شد و تابع امپراطوری اسلام - که مرکز آن ترکیه بود - قرار داشت و بر اثر این تفکیک و تفرقه، هزاران بلا بر آنان سرازیر شد که تفصیل آن نیاز به تألیف چندین جلد کتاب دارد.

این نیست مگر بر اثر غفلت مسلمانان از احکام اسلامی و الهی که قرآن می فرماید:

﴿وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً﴾^۲

۱- سوره حج: آیه ۲۸.

۲- سوره انبیاء: آیه ۹۲.

« و همانان این امت شما (مسلمانان) امتی یگانه است ». و همچنین آیه دیگری که خداوند می فرماید:

﴿ ائِمَّا الْمُؤْمِنُونَ اِخْوَةٌ ﴾^۱

« به حقیقت مؤمنان همه برادر یکدیگرند ».

عاشورا باید سبب و منشأ نشر فرهنگ و درک و فهم اسلامی باشد تا به برکت آن مسلمانان به تطبیق اسلام و قوانین آن بازگردند.

دوری از اسلام بزرگ‌ترین خسارت

مسلمانان با دوری از اسلام نه تنها آخرت خود را از دست داده‌اند بلکه در دنیا نیز قبل از آخرت خسارت دیدند.

مسلمانان از آن هنگام که اسلام و عمل به قوانین آن را کنار گذاشتند بر وسعت سرزمینهای اسلامی افزوده نشد در حالی که می‌دانیم نآن زمان که برنامه‌های اسلام عمل می‌شد سرزمینهای وسیعی به زمینهای مسلمانان افزوده می‌شد همان گونه که قرآن می‌فرماید:

﴿ وَ أَوْرَثَكُمْ أَرْضَهُمْ وَ دِيَارَهُمْ وَ أَمْوَالَهُمْ وَ أَرْضاً لَمْ تَطَّوُّهَا وَ كَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيراً ﴾^۱
 « و زمینها و اموال آنان و زمینهایی را که در آن قدم نزده‌اید (بدون جنگ به دست آمده است) را خداوند شما را وارث آنها قرار داد و بر همه چیز قادر و توانا است.»
 که سخن از زمینهای خیبر یا ایران و یا روم است.

همچنان که افراد زیادی به مسلمانان افزوده می‌شد به گونه‌ای که قرآن از کیفیت گرایش آنان چنین می‌فرماید:

﴿ وَ رَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجاً ﴾^۲

« و می‌بینی که مردم گروه گروه به دین خدا وارد می‌شوند.»

آری، مسلمانان از آن زمان که اسلام را ترک گفتند نه تنها به پیش نرفتند بلکه دچار عقب‌گرد نیز شدند و سرزمینهای وسیعی همچون اندلس، فلسطین و هند را از دست دادند. دشمنان، اندلس مسلمان را به اسپانیای مسیحی و فلسطین مسلمان را به اسرائیل صهیونیست مبدل نمودند و هندوستان مسلمان مبدل به هند بت پرست گردید و شعار آنها که «اسلام و

۱- سوره احزاب: آیه ۲۷.

۲- سوره نصر: آیه ۲.

قرآن « بود مبدل به شعار « بت و بت پرستی » گشت همان گونه که امروزه این شعارها را بر روی اسکناس‌ها و دیگر مظاهر زندگی آنان مشاهده می‌کنیم.

و اما نسبت به افراد به درستی که مسلمانان افراد زیادی از پیروان خود را از دست دادند چه آنکه دشمنان دین آنان را به مسیحیت و کمونیست و لائیک و یا به دیگر ادیان و احزاب باطل و منحرف تبدیل نمودند.

گذشته از آنکه تعداد زیادی از مسلمانان را به وسیله جنگهای ساختگی نابود کرده و می‌کنند.

جنگهایی که غرب، برای آزمایش و فروش اسلحه‌های جنگی خود ترتیب می‌دهد. جنگهایی که معمولاً به بهانه‌های واهی و به بهانه اختلاف مرزهای دروغین و نزاعهای ساختگی برپا می‌شود.

بنابراین نتیجه پشت کردن مسلمانان به اسلام این شد که سرزمینها و افراد خود را از دست داده و همچنین در زمینه‌های علمی، فرهنگی و اقتصادی و... عقب افتادند و شاید یکی از مهمترین علل این عقب‌افتادگی بعد از عمل نکردن به دستورات اسلام و قرآن، این باشد که صاحبان حرفه و تخصص از کشورهای اسلامی به کشورهای غربی انتقال یافت که در نتیجه دنیای غرب به اکتشافات و اختراعات جدیدی دست یافت در حالی که در گذشته این افتخارات از آن مسلمانان بود چرا که مسلمانان ابتدا خود پرچم‌دار دانش و صنعت بودند ولی بعدها غرب مسیحی پیشتاز میدان صنعت و اختراع شد تا جایی که بعضی از نویسندگان، مسلمانان را « میهمانان تمدن » نامیدند زیرا مسلمانان از تمدنی استفاده می‌کنند که از آنها نیست بلکه نتیجه تلاش و زحمت دیگران - دانشمندان غربی - است.

حتی تاریخ قراردادی اکثر کشورهای اسلامی نیز از خودشان نیست بلکه بر اساس تاریخ میلادی و مسیحی است چرا که مسلمانان می‌گویند ما به هزاره سوم راه یافته‌ایم در حالی که تاریخ از آن مسیحیان است و هیچ ارتباطی به مسلمانان ندارد.

اسلام و عصر ارتباطات

پوشیده نباشد که مسلمانان با رها کردن اسلام و ترک احکام و قوانین قرآن زیان دیدند بلکه بر اثر ضرر و زیان مسلمانان دنیا، خسارت بزرگی به جهانیان وارد آمد، زیرا قرآن که غنی ترین منبع فرهنگی انسان و بزرگ ترین سرچشمه پاک فکری و وسیع ترین میدان علمی را در بردارد و قرآنی که با تبعیت از آن، انسان به اوج پیشرفت و سعادت می رسد به کناری رفته و مهجور واقع شده است.

اکنون با پیدایش وسایل ارتباط جمعی سریع و گسترده همه به دنبال بهترین نظام زندگی و برترین راه حل برای مشکلات خود هستند برنامه ای که انسان را به کمال و سعادت برساند و از مشکلات و مصایب دنیای امروز برهاند.

و در فرهنگ آفرینش، نظامی همچون اسلام (که قرآن آن را ترسیم نموده و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت معصومش: آن را تبلیغ نموده اند) یافت نمی شود. نظامی که برای تمام احتیاجات و نیازهای انسان پاسخی متین داشته باشد و به بهترین وجه و سالم ترین راه و بدون سختی و پیچیدگی و بدون هیچ قید و شرط اضافی، سعادت بشر را تأمین می کند.

ولی با نادیده گرفتن و در پرده ماندن قرآن و سنت اهل بیت: مردم عصر اینترنت از خصایص و واقعیت های اسلام بی اطلاع و محروم می مانند که همانا محروم ماندن مردم در این عصر و زمان از فرهنگ قرآن، خسارتی است بس عظیم.

ولی اگر مسلمانان به اسلام روی آورده و احکام آن را حرف به حرف عمل نمایند بهترین تجربه و نمونه زنده از تطبیق اسلام مشاهده خواهد شد و اسلام کارآیی خود را در صحنه های سیاسی و اجتماعی نشان خواهد داد و آنگاه هر انسانی که در پی عزت و سعادت و آقایی خود باشد اسلام را خواهد شناخت و با جان و دل خواهد پذیرفت.

پس نه تنها مسلمانان بر اثر ترک قرآن و اسلام خسارت کرده‌اند بلکه همه افراد بشریت در این خسارت بزرگ سهیم هستند و بالاتر آنکه تمام موجودات زنده از حیوانات گرفته تا محیط زیست به سبب نبود برنامه صحیح و نبود قوانین صحیح زندگی، زیان می‌بینند. آری، عاشورا بهترین فرصت و بزرگ‌ترین مناسبت و زیباترین برنامه برای بازگرداندن احکام اسلام و تعالیمی قرآن و حکمت‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و سیره اهل‌بیت: می‌باشد و این همان رمزی است که امام حسین علیه السلام برای زنده شدن آن جان خود را فدا نمود، تا تمام بشریت و بلکه جهان هستی در سایه این مکتب سعادت‌بخش به خوشبختی و کرامت برسند.

از خداوند خواستاریم که همگی را در راه تبلیغ پیام عاشورا و تحقق اهداف امام حسین علیه السلام (که همانا احیای اسلام و تطبیق قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل‌بیت: در تمام زمینه‌های زندگی می‌باشد) موفق سازد.

آمین یا رب العالمین

محمد شیرازی - شهر مقدس قم

ذی القعدة ۱۴۲۱ هـ. ق